

اگر آن هفت نفر را هم که در چندی قبل مجلس شورای ملی تصویب کرد، بحساب مسیو مرنارد رسیدگی کنند آن کمیسیون هم حاضر شوند و حالش را به بینندگان می‌کنم آنقدرها طولی نداشته باشد بجهت اینکه اجزاء و لوازم کار را بنده خوب فراهم آورده‌ام اگر از طرف آن کمیسیون هم اقدامی بشود گمان می‌کنم در مدت قلیلی این حساب تمام شود

وزیر امور خارجه - در مسئله حساب مسیو مرنارد بنده زائد نمیدانم چندکلمه عرض کنم اولاً ناظر آقایان مسیوق است که دو سال ونیم مسیو مرنارد در خزانه داری مشغول عمل بود و چندی هم مستر شوستر مشغول کار بود هیئت دولت سابق که در تحت ریاست آقای مستوفی الممالک تشکیل شده بود کمیسینی برای اینکار تشکیل دادند و آنها را امور کردند که حساب سه ساله خزانه را یعنی از زمان ریاست مستر شوستر و دو سال ونیم هم حساب مسیو مرنارد را رسیدگی نمایند این کار ولیکن چون لازم بود که مسیو مرنارد حساب خودش را حاضر کرده باشد تا بآن کمیسیون داده شود حاضر نکرده بود مسیو مرنارد مشغول تدارک حساب شد و همانطوریکه آقای وزیر فرمودند يك مقداری از حساب مسیو مرنارد حاضر شده نه اینست که در این مدت بکلی حساب او حاضر نشده باشد ولی آن اوقات شاید بعضیها تقاضا می‌کردند که مسیو مرنارد حساب خودش را بطور کلی بدهد ولیکن کابینه آقای مستوفی الممالک که بنده در آن هیئت وزیر مالیه بودم باین عقیده نبودند و میخواستند صورت حسابی که مسیو مرنارد میدهد قدری جامع باشد یعنی حسابهای هم راجع بولایات و ایالات بود بدهد یعنی کل حساب مملکت را تهیه کنند و بدولت بدهد که هم از برای بودجه‌های آتی و محاسبات آتی و هم برای اداره تشخیص عایدات در آتی يك کمکی باشد و باین واسطه يك مقداری که در مرکز بوده جمع‌آوری کردند و آنچه راجع بولایات بود تلگرافات شده که بزودی بفرستند بهر حال یکسال ونیم حساب خرج را تعیین کرد یعنی مقدار خرج را تقریباً تدارک کرده بود و یکمقداری از جمع باقی مانده بود که در این کاغذ خودش ملاحظه میفرمایند نوشته شده است و اینکه در این اواخر قدری تاخیر شده بود این بود که اجزائی را که مسیو مرنارد برای کار خودش میخواست آن اجازه داری مشاغل بودند که در تمام روز در تمام مدت نمیتوانستند باین کار رسیدگی کنند و اگر چنانچه میخواستند باین کار رسیدگی کنند از آن کارهای مهمی که بآنها تفویض شده بود باز میماندند این بود که بنده ترتیبی دادم که در روزهای تعطیل و در روزهای غیر تعطیل هم چند ساعتی که مزاحم کار اداری آن اشخاص نباشد حاضر شوند و کمک کنند که زودتر حساب مسیو مرنارد تمام شود معلوم میشود در این اوضاع و تهییراتی که پیدا شده است آنطوریکه باید اشخاص مراقبت بکنند نکرده‌اند یعنی کارهای اداری دیگر داشته‌اند که مانع از آن اقدام شده باشد باین واسطه از وزیر مالیه حالیه تقاضا کرده بود چند نفری معین شود و حساب او را بنویسند و همچنین وزیر مختار بلژیک هم پیش بنده بود و خواهش میکرد که این کار بشود و تقاضایش این بود که وزیر مالیه چهار

نفری معین کنند که تمام مدت روز بدون اشتغال بکار دیگر مراقبت بکنند و باقیمانده حساب مسیو مرنارد را تمام کنند و مطابق قول خودش اگر باین ترتیب که تقاضا کرده است رفتار شود و مشغول کار باشند تصور می‌کنم در ظرف پنج شش هفته این حساب تمام شود معلوم است اگر تمام حساب او باقیمانده بود چند هفته کفایت نمیکرد باین واسطه تصور می‌کنم در باب حساب مسیو مرنارد نگرانی نداشته باشیم

رئیس - آقای معتمد السلطنه از آقای وزیر مالیه سؤالی داشتند ابلاغ هم شده است حاضر جواب هستند یا خیر .

وزیر مالیه - بله حاضر .

معتمد السلطنه - بطوریکه خاطر محترم نمایندگان مستحضر است پس از نسخ قانون ۲۳ جوزا مجلس تصویب کرد که يك کمیسیون سه نفری در وزارت مالیه تشکیل شود و تمام وجوهی که پرداخته میشود آنها تصدیق کنند بعد بامضای وزیر مالیه برسد آنوقت پس از آن تصدیق و امضاء خزانه‌داری آنچه را باشخاصی که لازم است بپردازد و موافق اطلاعاتی که بنده دارم در این چند روزه خزانه‌داری يك مبلغی را بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزیر مالیه پرداخته است و صورت آن از استقرار است .

در وجه مسیو مرنارد ۵۰۰۰ تومان - در وجه مسیو بوطن ۶۷۵ تومان جیره دکر کر ۷۵ تومان جیره لروا ۵۰ تومان - حقوق پادبیل با خرج سفر ۳۶۰ تومان - مخارج متفرقه خزانه‌داری ۱۰۹۵ تومان محصلین ۴۱۲۵ تومان - کرایه منزل لروا ۳۰ تومان - وظایف اروپائیان ۲۰۵۰ تومان مخارج چراغانی ۴۰ تومان - در وجه پاکه ۲۹۲۵ تومان - در وجه پطرز ۲۰۰ تومان - در وجه مراسم ۱۰۰۰ تومان که کلیه پانزده هزار و دویست و هشتاد تومان است و این مبلغ را تحویلدار بدون اطلاع کمیسیون سه نفری و بدون امضای وزیر مالیه پرداخته و بلاوه بیست هزار تومان دیگر هم بنده شنیده‌ام باز به همین ترتیب در خزانه‌داری بدون اطلاع کمیسیون و امضای وزیر مالیه پرداخته شده است چون ناظر در اجرای قانون مجلس شورای ملی است بنده از آقای وزیر مالیه سؤال می‌کنم که آیا این بی ترتیبی‌ها را تصدیق میفرمائید یا خیر اگر تصدیق میفرمائید چه تصمیمی برای جلوگیری این بی ترتیبی‌ها فرموده‌اید

وزیر مالیه - بنده فرمایشاتی را که نماینده محترم فرمودند تصدیق دارم و به همین ترتیب که فرمودند واقع شده است ولی این مسئله قبل از آن بوده است که بنده در وزارت مالیه بروم روز دوم که بنده بوزارت مالیه رفتم این مطالب را مطلع شدم که همچو وجوهی پرداخته شده یا میشود از مسیو شلر که آنوقت تحویلدار و رئیس صندوق بوده سؤال کردم گفت باین همچو وجوهی را نپرداخته‌ام و همچنین از اداره مالیات تهران سؤال کردم و نوشتم اگر اینطور وجوه را بدون امضای کمیسیون وزارت مالیه بپردازند بی جاست و مسیو هنس هم نوشتن است مسیو هنس هم يك جواب مفصلی بمن نوشته است و پرداخت این وجوه را بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزارت مالیه بیک جهاتی متعذر شده است بنده در جواب او چیزی که لازم بوده نوشته و قدغن سخت

کردم که من بعد بهیچوجه از این امور نباید اتفاق بیافتد و آن پولهای را هم که سابقاً داده بودند توانستم صحت آنرا تصدیق نمایم و شرح و عملی را که اظهار داشته بود لازم نمیدانم که در این مقام اظهار کنم فقط می‌توانم عرض کنم که بعد از این تاریخ چیزی بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزارت مالیه داده نشده است و اگر همین منوالی که بنده شروع کرده‌ام باشد گمان نمی‌کنم بعد از این برخلاف رویه رفتاری در آنجا بشود و در موضوع بیست هزار تومان هم راجع باین مسئله نیست چیزی نیست که بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزارت مالیه تأدیه شده باشد راجع بیک مذاکره ایست که با بانک در بین است که حالیه هم مشغول تصفیة آن هستیم تفصیل آنرا هم لازم نمی‌دانم عرض می‌کنم فقط در مورد قروض است که دولت با بانک داشته است و يك وجهی از خراسان رسیده و بانک در عوض آن قروض نگاهداشته است در این باب هم مشغول مذاکره هستیم .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو سؤال حضرت عالی هم راجع به همین موضوع بود .

ارباب کیخسرو - بله راجع به همین مطلب بود که آقای معتمد السلطنه بیان کردند بنده از وزیر مالیه سؤال می‌کنم که آیا به همین اکتفا میکنند که قدغن کرده‌اند بعد از این از این حرکات نکنند یا این که يك کسی که خودسرانه یکمقداری از مال دولت برداشته بدیگران داده است تعقیب خواهند فرمود که از روی چه ترتیبی این خلاف را کرده‌اند و واقعاً از روی چه مأخذی بوده است ؟

وزیر مالیه - اینکه عرض کرده‌ام نوشته‌ام و صحت تأدیه این وجوه را هم تصدیق نکرده‌ام مسلم است که این مسئله را هم تعقیب کرده‌ام و تصدیق نداشته‌ام که این وجوه را بآن دلیل که او اقامه میکند بدون تصویب کمیسیون و بدون اجازه وزارت مالیه داده باشد و در تعقیب آن باندازه که مقتضی است البته اقدامات شده و میشود .

رئیس - چون مطلب دیگری در دستور نیست اگر آقایان موافق باشند جلسه بماند برای روز شنبه دستور آنهم شور دوم در بقیة قانون تشکیلات مالیه خواهد بود .

جلسه ۳۹

صورت مشروح مجلس روز شنبه هفتم شهر رجب المرجب ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای موتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ه شنبه بنجم قرائت شد

غائبین با اجازه - آقایان طباطبائی - سردار معتمد آصف الممالک .

غائبین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسمعیل - نظام السلطان

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟ ملاحظاتی نیست .

صورت مجلس تصویب شد استوار امروز شور ثانی در بقیة مواد قانون تشکیلات است از ماده ۲۷

(ماده ۲۷ بمضمون ذیل قرائت شد)

مدعی العموم و مأمورین مالیه دولت از دادن خرج

معا که از هر قبیل که باشند معافند
حاج شیخ محمد حسن گروسی - پیشنهادی
در این خصوص نوشته ام.

(بصورت ذیل قرائت شد)
این اقل پیشنهاد میباید که ماده ۲۷ باین ترتیب
بوده باشد مأمورین و پیشکاران مالیه در صورت
محکوم شدن آنها در محکمه خسارت وارده بر دولت
را که از بابت خرج محاکمه تعلق میگردد مستعمل
شوند و از عهده برآیند.

رئیس - در خانم ماده ۲۷ است ؟
حاج شیخ محمد حسن گروسی - بلی
عدل الملک - بنده در شور اول پیشنهادی
کردم - و قابل توجه شد در اینجا معترضی نیست
بفرمائید چه طور شده است تا نظریات خودم را
عرض کنم .

وجه را گرفته و اگر برعکس برای جلب منفعت
شخص خودش مبلغی از مالیات بده گرفت اگر در
مواد بعد ملاحظه بفرمائید می بینند که رئیس محکمه
و مدعی العموم رایورت میدهند بوزیر مالیه و او را جوع
میکند بمجلس مشاوره عالی و آنجا در این باب
رسیدگی میشود اگر مدلل شد برای این مأمور چند
فقره مجازات معین شده است حتی اخراج او را
باعث میشود بعد از آنجا جوع میشود بمدعی العموم
عدلیه او هم مطابق قوانین عدلیه که برای این کار
معین شده او را مجازات و جرم و حبس خواهد کرد

لذا این ماده در این مورد کاملاً صحیح است
حاج شیخ اسدالله - بنده از این پیشنهادی
که آقای حاج شیخ محمد حسن کردند میخواهم يك
قدری تجاوز کنم تصور میکنم که مأمورین مالیه
مكلف هستند مطابق دستوریکه از طرف اداره
تشخیص عایدات بآنها داده میشود رفتار کنند در
صورت تخلف از آن دستور از دو حال خارج نیست
یا برای منفعت شخص خودشان تخلف و تجاوز میکنند
یا برای خدمت و نفع رساندن بدولت در هر دو صورت
این مأمور يك تصدیق و خیانتی کرده است برای اینکه مطابق

ترتیب اداری مكلف بوده است که از روی دستوریکه باو
میدهند رفتار کند این محاکماتیکه در این جا معین
میشود برای رسیدگی به تطم مردم است در امور
مالیه اگر چه بعد از اینکه در محکمه مالیه رسیدگی
ابتدائی شد معلوم شد که این مأمور برای جلب نفع
شخصی خود تجاوز و تخلف کرده است باید در حقه
دیگر را طی کند این مسئله راجع میشود بجا کم
عدلیه و آنجا هم ترتیباتی داده که باید داخل آن
مجری شود ولی ابتدا وقتی مطلب راجع بامور مالیه
شد باید در این محکمه رسیدگی شود که معلوم شود
که آیا این مأمور تجاوزی کرده است یا خیر این
مخارجیکه این جا معین شد صریحاً از برای همین
محکمه است بان هلت ما بین عارض و معروض نباید
فرق گذاشت باین معنی که هر کس اسباب این خسارت
را فراهم کرده است باید مخارج این محاکمه را
بدهد خواه عارض باشد خواه معروض در هر صورت
محکوم علیه باید بدهد پس اگر امانا و
پیشکاران مالیه محکوم شدند معلوم میشود
که خود آنها شخصاً اسباب این خرج و این محاکمه را
فراهم کرده اند لهذا باید حق محاکمه را بدهند فرق
نمی کند اگر عارض بقلط نظلم کند برای چه این
خسارت را از او بگیرند برای اینکه دیگر بقلط
نظلم نکنند وقتیکه مأمور مالیه باعث این خسارت
شد چه برای نفع شخصی چه بواسطه رساندن منفعت
بدولت از راه غلط باز هم فرق نمی کند چون این
شخص اسباب این خسارت شده است باید از عهده
بر آید اینکه میفرمایند مأمورین و پیشکاران مالیه
مطابق ترتیبات اداری يك محاکمه و مجازاتی دارند
آن مجازات اداری کاری باین خرج محاکمه ندارد
و آن مجازات برای اینست که از وظیفه اداری خودش
تجاوز کرده و مرتکب خیانتی شده است آن مرحله
مرحله علیحده است و دخلی باین محاکمه ندارد بدون
استثناء هر کس محکوم شد چه عارض چه معروض
باید این حق محاکمه را بدهد .

مخبر - آقا مکرر در اینجا فرمودند هر کس
اسباب این خرج را فراهم کند باید این خسارت
را بدهد برای اطلاع ایشان عرض می کنم
ممکن است شکایتی فقط در مورد تخلف از دستور العمل
اداره تشخیص عایدات نباشد و پس از هر ضحالی دادن
عارض معلوم شود که يك پیشکار مالیه با کمال
موافقت با دستور العمل آن اداره مورد فرض شکایت
واقع شده بعلم اینکه ممکن است بالاخره اداره
تشخیص عایدات صورت غلطی داده باشد و وزیر مالیه
هم امضاء کرد و اسباب این محاکمه فراهم شده
باشد پس همیشه در نظر نباید گرفت که هر وقت
مأمور مالیه مورد شکایت واقع شد مواردی است که
از دستور العمل خودش تخلف کرده یا برای جلب
منفعت خود اقدامی نموده در این ماده دو مسئله
ملحوظ میشود یکی مسئله جریمه است دیگری خرج
محاکمه این چیزیکه گرفته میشود بعنوان جریمه نیست
این يك حق محاکمه و حق العملی است مربوط بجزا
و جریمه نیست پس وقتی که نقطه نظر در این ماده
این باشد که فقط میخواهم متعرض حق محاکمه
بشوم آنوقت تصدیق خواهند فرمود که اینطور که اینجا
نوشته شده بهتر است مادامیکه در محکمه مالیه از
دست مأمورین مالیه منظم است طرف دولت است
و حق محاکمه بدولت تعلق میگردد بجهت اینکه
آن اقدام بنام دولت شده است در این صورت مقتضی
نخواهد بود که دولت از مأمور خودش یعنی از کسیکه
بنام او این عملیات را کرده است ولو اینکه محکوم
شده باشد پولی بگیرد پس از این نقطه نظر گویا
بهتر باشد که مدعی العموم و مأمورین مالیه را از
ادای این حق محاکمه معاف دارند اما نظر بعضی
باین مسئله میرود که اگر امین مالیه صد تومان
گرفته و در جیب خود گذاشته باشد چرا نباید از
او حق محاکمه را گرفت این مسئله هم شاید در نظر
اول صحیح بیاید ولی وقتیکه بنظر دقت ملاحظه
کنیم خواهیم دید که اگر مجازات هائی که در این
قانون برای این قسم خلاف کارها معین کرده ایم
مناسب تصدیق آنستیکه صد تومان گرفته و بچیب خود
گذاشته نیست نباید فقط از ارضی پنج حق محاکمه
را بگیریم بلکه باید او را محکوم کنیم بمجازاتهای
دیگری و به این نقطه نظر گمان نمیکنم کسی مخالف
باشد آدم بد البته باید مورد مجازات واقع شود
ولی جای او اینجا نیست و باز هم دوباره تکرار
میکنیم که این ماده فقط متعرض حق العمل و حق الزحمه
است که دولت اخذ میکند برای اینکه محاکماتیکه
ایجاد کرده و بدعاوی مردم رسیدگی میکنند موضوع
جریمه نیست وقتیکه از محکوم صدی پنج بگیرند
بعنوان جریمه نمیگیرند بعنوان حق محاکمه نمیگیرند
وقتیکه بعنوان حق محاکمه شد طبعا و قهراً آنها
باید از دادن صدی پنج معاف باشند

عدل الملک - در تعقیب پیشنهاد سابق
خودم عرض میکنم در این سه شق ممکن است پیدا
شود یکی آنکه مدعی العموم طرف باشد در این صورت
البته او معاف است دوم اینکه امین مالیه طرف است
و مدعا به بصدوق دولت رفته سوم آنکه مدعا به بچیب
خود امین مالیه رفته است چرا در این فرض اخیر امین
مالیه باید از دادن حق محاکمه معاف باشد در صورتی

که مدعا به بصدوق دولت رفته باشد امنا مالیه معاف
خواهند بود و الا اگر بچیب خودشان منتقل شده
باشد باید حق محاکمه را بدهند اگر چه البته این
مسئله در موقع خودش بمحکمه حقوق یا جزائی
حواله میشود و در آنجا تعاقب میکنند و مجازات
او را معین مینمایند ولی مع هذا در اینجا چرا باید
از حق محاکمه معاف باشند این را در تعقیب پیشنهاد
خودم تکرار کرده و دوباره پیشنهاد میکنم
رئیس - پیشنهاد کنید

عدل الملک - آقای مخبر راجع باین
موضوع خوب توضیح دادند بنده گمان نمیکنم دیگر
مخالفتی باقی بماند وقتیکه بدانم مقصود از گرفتن
خرج محاکمه چه چیز است میتوانیم بفهمیم باید
بدهند یا نباید بدهند و نظر در گرفتن این حق
محاکمه تصور شده است یکی اینکه مجازات شود
دیگر آنکه دادن یکوجه نقدی باعث میشود که بعد از
این مرتکب چنین عملی نشود بنده عرض میکنم
اگر تصور میکنیم که این حقوق صدی پنج از امین
مالیه گرفته میشود و به عارض داده میشود برای این
که زحمت کشیده و آمده و خرجی کرده دعاوی
خود را ثابت نموده و این صدی پنج تا اندازه جبران
خسارت او را میکند ولی وقتیکه معین کردیم که باید
این وجه بعنوان حق محاکمه بصدوق دولت برسد
آنوقت در این دو شق که تشخیص داده اند که یکی
این بود مطابق تعلیماتی که باو داده شده چیزی گرفته
باشد و بصدوق دولت عاید شده باشد البته در اینجا
وقتی که بر بخوریم می بینیم که باید او از این حق
معاف باشد و دلایل آنهم واضح است چنانچه آقایان
در نظر دارند خیلی اتفاق می افتد که آن شخصی که
خطا از او سرزده استطاعت و حقوق کافی برای
اداء حق محاکمه ندارد البته در این صورت آن آدم
را باید معزول کرد فرضاً در یکجائی که يك جنس
تسمیر میشود امین مالیه خرواری یکتومان دو تومان
بر حسب يك سابقه اضافه میگردد صاحبان آن ملك
در محکمه مالیه منظم میشوند وقتی که محاکمه میشود
میفهمند که اداره تشخیص عایدات اشتباه کرده است
پس امین مالیه بری الذمه میشود و رئیس اداره خودش
در جزئیات عمل مسئول است در صورتی که ممکن
است اجزاء آن یا يك نویسنده اشتباه قلمی کرده
است و بواسطه این اشتباه قلمی پنجاه هزار تومان
بر عبت ظلم وارد آمده دولت در محکمه که برای
رفاه حال رعیت و مالیات بده ایجاد کرده رسیدگی
میکند و آن پنجاه هزار تومان را از صندوق دولت
مسترد میدارد البته بعد از این هم اداره تشخیص
عایدات دقت میکند که اینطور نشود و در مقابل
ما میبینیم اگر کسی از این قبیل خطاهای اداری
بکند در همین قانون مجازات ها برایش قرارداده
شده از اغطال و اغطال کتبی تا میرسد بيك سال
یا دو سال حقوق ندادن و کم کم اخراج کردن
تا کار بجائی میرسد که او را در هیچیک از ادارات
دولتی قبول نمیکند پس بطور کلی دولت بدکاران
و اشخاصی که بواسطه نفهمی یا بی میلانی یا خست
طنبت اسباب تضییع حقوق رعیت میشوند مجازات
میکند بعلم اینکه دولت حافظ حقوق رعیت است
و باید همیشه آسایش آنها را در نظر داشته باشد

در اینصورت بنده تصور میکنم برای آن شخص
ماهی بیست تومان حقوق بگیر که اشتباه کرده است
عزل کفایت و در صورتیکه آنچه بصدوق دولت
عاید شده دولت هم آنرا بر میگردد بعارض بنده
یکی از آن اشخاص بودم که تصور میکردم این
مسئله ضرر ندارد وقتی که فکر میکنم می بینم ذکر
آن در این قانون مثل این است که بامورین مالیه
اجازه میدهم که بقوت دولت هر چه میخواهند بگیرند
آخر الدواء وقتیکه رعیت بیچاره فهمید و آمدتظلم
کرد و امین مالیه محکوم شد آنوقت فقط پولی را
باصدی پنج از امین مالیه میگیرند مثل اینکه يك
مسئله عادی واقع شده است بنده هیچ در ذکر این
مسئله راضی نمیشوم که مأموره مالیه تصور کنند بواسطه
دادن صدی پنج ملکن است بری الذمه شود این
شخص سارق خیلی بدی است و قدرت دولت را
برای چاپیدن مردم اعمال کرده است بنده تصور
میکنم اولین درجه مجازاتش انفصال از خدمت و
گرفتن يك خرج بالاتر از صدی پنج است که نظام
نامه اداری معین میکنند پس در اینصورت بنده راضی
نمیشوم که دولت بگرفتن صدی پنج قانع شده و يك
همچو اجازه بدهد بلکه انتظار دارم که مجازات
های کافی بدهد که دیگر این قسم اتفاقات رخ نهد
و همه بدانند اگر اتفاق بیفتد که مثلاً پنج تومان از
رعیت بگیرند اقلاً دو ماه حقوق بآنها داده میشود
و از کار منصرف میشوند

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد -
آقایانی که مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند
(عده قبلی قیام نمودند کافی نشد)
ناصر الاسلام - این توضیحاتیکه مخبر محترم
دادند و بالاخره آقای عدل الملک مثل او را تأیید
کردند هیچ بنده را قانع نکرد سهل است بلکه
عقیده ام را ببینند آقای حاج شیخ محمد حسن و
آقای عدل الملک را سخن تر کرده بنده هم متوسل بمثل
آوردن میشود که اگر از طرف اداره تشخیص
عایدات یک نفر منشی يك چیز را غلط نوشت و مأمور
مالیه محل بواسطه آن غلط منشی يك مبلغ بامقدار
زیادی از طرف گرفت اسم آن اداره تشخیص
عایدات را نباید اداره گذاشت او را باید دیوان بلخ
نامید اداره که یک نفر منشی آن اینقدر تولید رحمت
و ضرر بکند گویا تأسیس آن لغو باشد و يك همچو
اشتباهی از يك اداره بلکه از يك ذاتره خیلی
کوچکی هم کمتر ممکن است بشود اینک مخارج محاکمه
را وارد میکنند در عنوان مجازات و حال آنکه ما هیچ
قائل نشدیم که باید دولت او را مجازات نکند و مجازات
او منحصر بادای حقوق محاکمه باشد بلکه میگویم
يك قسمت از حقوق محاکمه را که مشروفاً باو تعلق
میکرد ادا خواهد کرد و دولت هم همان قسم که
معین شده مجازات این خلاف کاری را خواهد داد
و او در موقعی که امین مالیه بهوای نفس یا بخیالانیکه
تصور کرده است صورت قانونی بآن خواهد داد و
نتوانست ثابت کند و محکوم شد البته باید از عهده
حقوق محاکمه بر آید برای اینکه بدانند حقوقیکه
باو متوجه میشود باید ادا کند و مجلس مشاوره عالی
هم بموجب قانون مجازات را معین خواهد کرد
فرمایشات ایشان این است که ما معتقدیم که از برای
مأمور مالیه جز ادای حقوق محاکمه هیچ مجازاتی

نباشد خیر اینطور نیست اعتقاد ما این است که هم باید
حقوق محاکمه را بدهد هم مجازات اداری را ببیند
رئیس - آقای حاج سید اسدالله مخالفید ؟
حاج سید اسدالله - عرض بنده همان
مطلبی بود که آقای ناصر الاسلام بیان کردند .
منتصر السلطان - اینجا مذاکره شده که اگر
منشی اداره در تشخیص عایدات اشتباه کرده باشد
پس چنین اداره لغو است و بایستی این شخص مجازات
شود یعنی از او صدی پنج گرفته شود عرض میکنم
که اینجا باز دو شق پیدا میکنند یکی آنکه جزو
جمعی اداره تشخیص عایدات مینویسد و بولایات
میفرستد ممکن است عارض پیدا شود و يك جزو جمعی
از مستوفیان قدیم بامضای دولتهای سابقه در دست
داشته باشد وثابت بکنند که این جزو جمع جدیدی
که اداره تشخیص عایدات داده است غلط بوده در
صورتیکه منشی هم در اینجا سهوی نکرده و از روی
جزو جمعی نوشته که بعقیده این اداره صحیح بوده
در این صورت اگر بنا باشد بگوئیم که آنهم باید
صدی پنج بدهد باید از این دست گرفت و بآن دست
داد و مجدداً بصدوق دولت ریخت و هیچوقت ضرری
بمأمور مالیه متوجه نمیشود بجهت اینکه از روی
يك دفتر وثبت و سررشته این وجه را گرفته آنوقت
اگر محکوم شد صد پنج را بصدوق دولت باید بدهد
و اما اگر بگویند شخصاً خودش زیاد روی کرده
است وقتی که ما این ماده را که آقایان پیشنهاد
میکند تصویب کنیم آنها را تشویق و ترغیب میکنیم
که دزدی نکند و مجازات آنها فقط این صدی پنج
است و چیز دیگر نمیگیریم و آنوقت آنهم برای منافع
خودش هر نوع صدمه و اذیتی که بخواهد بر سایر
میزند بواسطه اینکه تکیه میکند باینکه وقتی که
من از فلان آدم صد تومان گرفتم فرضاً هم که رفت
و عارض شد و بعد از بيك سال دو سال محکوم شدم
فقط يك صدی پنج علاوه بر این صد تومان میدهم در این
صورت باید بآن مأمور مالیه مجازاتهای خیلی خیلی
سخت داده شود زیرا پیشکار مالیه که صد تومان از
رعیت جرم میکرد جزو سارقها محسوب میشود باید
دو سال یا پنج سال محبوس شود نه اینکه فقط قانع
شویم که يك صد پنج بدهد گمان میکنم اگر امروز
باین مسئله رأی بدهیم اجازه میدهم که هر کس
هر چه میخواهد بکند و این يك اجازه لغوی است .

حاج شیخ محمد حسن گروسی -
در جائی که منشأ و اشتباه از يك منشی شده باشد
آن فقره استثناء است اما وقتی که تعدیاتی کرده
باشد چه برای مداخل خودشان و چه برای دولت
هر دو در مقام ادای حقوق علی السویه است وقتی که
معلوم شد برای دولت است بدولت هم نباید اجازه
تجاوزان داده شود البته آن قراردادها و مقررات
که حق دولت است باید گرفته شود یعنی دولت هم
نبایست بکسی این تجاوزات را بکند اگر بنا باشد
دولت تجاوزی کرده باشد و معاف باشند رواست و
جایز نیست که دولت بتوسط مأمورینش از حقوق حقه
تجاوز کند مع هذا خود مأمورین خسارت را باید
متحمل شوند زیرا که آنها باعث شده اند .

مخبر - اگر چه گمان نمیکنم لازم باشد در
اصل مطلب زیاد تر از این عرض کنم ولی بالاخره وقتی
که ما این قانون را روی کاغذ بنویسیم که باید

مخبر - عرض بنده فقط برای بیان عقیده
کمسیون است اینجا يك اشتباه عبارتی شده است
در شور دوم در کمسیون اینطور نوشته شده (مدعی -
العموم و مأمورین مالیه از دادن حق محاکمه) از هر
قبیل را حذف کرده اند مطلب یکی است و تفاوت
ندارد .

منتصر السلطان - در اینجا که ذکر میفرمایند
مأمورین وقتیکه محکوم میشوند بایستی صد پنج که
بآن متاخره مدعی به تعلق میگردد بدهند بنده مخالفم
بجهت اینکه رئیس مالیه بموجب دستوری که از مرکز
خودش باو رسیده این مبلغ را گرفته است و در اینجا
مدلل میکند که این مطلب از مرکز سهو و اشتباه
شده است بجهت در صورت محکوم شدن باید
صدی پنج بدهند این حکم يك جرمی دارد برای
یک نفر مأمور دولت که بموجب حکمی که باو رسیده این

مأمورین مالیه صدی پنج بدهند عمل نخواهد شد و دولت از مأمورین خودش این را نخواهد گرفت زیرا که از این دست نمی گیرد که وبآن دست بدهد این یک چیز فریبی است که یک مأموری بنام دولت مشغول خدمتی شود بعد او را بنام همان دولت بیاورند و محاکمه کنند در صورتی که آنرا هم بصندوق همان دولت رفته باشد پس اگر در اینصورت در این قانون هم بنویسیم که مأمورین مالیه صدی ۵ را باید بدهند هیچوقت نخواهند داد نمی خواهم در این موضوع اصرار کنم ولی چیزی که هست دو باره مکرراً عرض میکنم که خوبست نمایندگان محترم حق محاکمه را از جریبه مجزی بفرمایند اگر در مسئله که در موضوع تخلف مأمورین مالیه مقرر میاید جزائی بود یعنی این مسئله برای آنها یک مجازاتی بود بنده هم موافق میشدم که یک مجازاتهای خیلی سختی برای آنها معین بشود چنانچه در این قانون هم معین شده پس تکرار میکنم که این ماده راجع به مجازات و جزا نیست راجع بحق محاکمه است محاکم دولت و بیشکار مالیه هم مستخدم دولت است و تمام عملیاتش بنام دولت بوده است و آنکسی که بنام دولت اقدامی میکند دولت نمی تواند از او حق محاکمه بگیرد

حاج شیخ اسدالله - در دفعه اول که

آقای مخبر دفاع میکردند میفرمودند این یک مجازات است حالا میفرمایند حق محاکمه است بنده عرض میکنم که در هر صورت یا عنوان جریبه باشد که هارض تقلبی کرده آمده عرض حال داده یا عنوان دیگر باشد فلسفه اصلی گرفتن این حق محاکمه این است که مخارجی که برای این محاکمه میشود محلی داشته باشد و بیغزانه دولت تحویل نشود و الا اگر خزانه دولت وافی باشد باید کلیه محاکمات حتی محاکمات عدلیه مجانی باشند و دیگر هیچ چیز از محکوم و محکوم علیه دریافت نشود ولی چون بودجه مملکت از عهده بر نمی آید این خرج محاکمه دریافت میشود اما آقایان اگر بیکدتری این قانونرا مطالعه میکردند در اینجا این حرفها گفته نشد میفرمایند اگر این صدی پنج را از مأمورین مالیه بگیریم اجازه دزدی است که بآنها داده میشود در صورتی که تصصیرات آنها میورد بجلس مشاوره عالی و مجازاتی که در آنجا معین شده بآنها داده میشود این را فراموش میکنند و میگویند بمجرد اینکه صدی ۵ را بآنها تعدیل کردیم این از قلم میافند خیر آنرا هم ما رای میدهم که اگر یک مأمور مالیه در محل مأموریت خودش تخلف کرد یک مجازات خیلی سختی دارد که از انفصال دائمی تا گرفتن حقوق یک ساله و غیره باشد این مسئله مکرر گفته شده است آقای معتمد الدوله فرمودند جواب داده شد باز آقای متصرف السلطان مجدداً همین را فرمودند اینکه آقای مخبر فرمودند این اجازه دزدی است خیر اینطور نیست مجازاتها بیکه داده میشود خیلی سختتر از این حقوق محاکمه است این فقط حقوق محاکمه است اما اینکه میفرمایند شاید اداره تشخیص عایدات سهو و خطائی کرده باشد خود آقای مخبر که این قانون را نوشته اند خوب بود بدهش را

ملاحظه میفرمودند که می نویسد ابتداء عرض حال باید بمقامات مربوطه رجوع شود پس اگر تمدی نمیشد اول باید رجوع کنیم بداره تشخیص عایدات و بهینم آيا از آنجا این اجحاف نمی شده است و بر حسب دستورالعمل آن اداره بوده است یا نه اگر از آنجا این اجحاف شده باشد دیگر مأمورین مالیه مقصرو طرف محاکمه واقع نمیشوند مطلب بر میگردد بمقامات بالا تر که اداره تشخیص عایدات باشد آنوقت طرف من آن اداره است نه مأمور مالیه بجهت اینکه مأمور میگوید من بر حسب دستوری که از طرف اداره تشخیص عایدات رسیده است این وجه را گرفته ام آن وقت رجوع می شود به آن اداره که آن صورت را داده است اگر تصدیق کرد که این صورت را من داده ام طرف دعوی خودش واقع می شود و اگر گفت این دستور را من نداده ام طرف مأمور مالیه میشود و باید محاکمه شود بعلت اینکه یک تقلب و خیانتی کرده است و اسباب زحمت بکنفر ضرر دولت را فراهم نموده و علاوه بر مجازات اداری که این قانون برای او تعیین میکند مخارج محاکمه را هم که صدی پنج است باید از او بگیرند و اینکه میفرمایند بنام دولت این کار را کرده است در پیشنهاد ما هم این مطلب خارج شده است که اگر بصندوق دولت هاید شده باشد از مخارج محاکمه معاف است ولی وقتی که بنام دولت دزدی می کند آنوقت مربوط بدولت نیست و شخصی می شود مثلا بنده مدعی هستم که این پیشکار یا امین مالیه باسم مالیات یک مبلغ زیادتر از مالیات معموله از من گرفته است وقتی که معلوم شد بنام دولت نبوده و بجهت خودش رفته دیگر طرف دولت نیست و در اینجا ما نوشتیم تا زمانی که آن شخص محکوم نشده است بمأموریت دولت باقی است و وظیفه مدعی العموم است که از طرف او دفاع کند قبل از محکومیت هم مخارج محاکمه از او دریافت نمیشود و وقتی که محکوم شد معلوم شد که خیانتی کرده علاوه بر اینکه صدی پنج را باید بدهد باید از خدمت دولت هم منفسل شود

مخبر - در اصل مسئله همین است که میفرمایند تصور می کنم در عرض اولی خودم هیچ چیز نگفتم و برعکس مقصود بنده این بود که این صدی پنج حق محاکمه است

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (گفته شد کافی است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است که قرائت می شود و رای می گیریم - پیشنهادی از آقای شیخ محمد حسن رسیده است که قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

این اقل پیشنهاد می نمایم که ماده ۲۷ باین ترتیب بوده باشد مأمورین و پیشکاران مالیه در صورت محاکمه شدن آنها در محکمه خسارت وارده بردولت را که از بابت خرج محاکمه تعیین می کرد متحمل شوند و از عهده برآیند

رئیس - پیشنهاد آقای عدل الملک قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده در تعقیب پیشنهاد سابق خودم پیشنهاد

میکم که ماده ۲۷ این طور نوشته شود بمقامات مربوطه رجوع شود پس اگر تمدی نمیشد اول باید رجوع کنیم بداره تشخیص عایدات و بهینم آيا از آنجا این اجحاف نمی شده است و بر حسب دستورالعمل آن اداره بوده است یا نه اگر از آنجا این اجحاف شده باشد دیگر مأمورین مالیه مقصرو طرف محاکمه واقع نمیشوند مطلب بر میگردد بمقامات بالا تر که اداره تشخیص عایدات باشد آنوقت طرف من آن اداره است نه مأمور مالیه بجهت اینکه مأمور میگوید من بر حسب دستوری که از طرف اداره تشخیص عایدات رسیده است این وجه را گرفته ام آن وقت رجوع می شود به آن اداره که آن صورت را داده است اگر تصدیق کرد که این صورت را من داده ام طرف دعوی خودش واقع می شود و اگر گفت این دستور را من نداده ام طرف مأمور مالیه میشود و باید محاکمه شود بعلت اینکه یک تقلب و خیانتی کرده است و اسباب زحمت بکنفر ضرر دولت را فراهم نموده و علاوه بر مجازات اداری که این قانون برای او تعیین میکند مخارج محاکمه را هم که صدی پنج است باید از او بگیرند و اینکه میفرمایند بنام دولت این کار را کرده است در پیشنهاد ما هم این مطلب خارج شده است که اگر بصندوق دولت هاید شده باشد از مخارج محاکمه معاف است ولی وقتی که بنام دولت دزدی می کند آنوقت مربوط بدولت نیست و شخصی می شود مثلا بنده مدعی هستم که این پیشکار یا امین مالیه باسم مالیات یک مبلغ زیادتر از مالیات معموله از من گرفته است وقتی که معلوم شد بنام دولت نبوده و بجهت خودش رفته دیگر طرف دولت نیست و در اینجا ما نوشتیم تا زمانی که آن شخص محکوم نشده است بمأموریت دولت باقی است و وظیفه مدعی العموم است که از طرف او دفاع کند قبل از محکومیت هم مخارج محاکمه از او دریافت نمیشود و وقتی که محکوم شد معلوم شد که خیانتی کرده علاوه بر اینکه صدی پنج را باید بدهد باید از خدمت دولت هم منفسل شود

مخبر - در اصل مسئله همین است که میفرمایند تصور می کنم در عرض اولی خودم هیچ چیز نگفتم و برعکس مقصود بنده این بود که این صدی پنج حق محاکمه است

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (گفته شد کافی است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است که قرائت می شود و رای می گیریم - پیشنهادی از آقای شیخ محمد حسن رسیده است که قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

این اقل پیشنهاد می نمایم که ماده ۲۷ باین ترتیب بوده باشد مأمورین و پیشکاران مالیه در صورت محاکمه شدن آنها در محکمه خسارت وارده بردولت را که از بابت خرج محاکمه تعیین می کرد متحمل شوند و از عهده برآیند

رئیس - پیشنهاد آقای عدل الملک قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده در تعقیب پیشنهاد سابق خودم پیشنهاد

در جیب خودش رفته و بصندوق دولت نداده باشند آن فرض را هم بنده موافقم

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای عدل الملک آقایان بیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهاد جناب عالی هم رای بگیریم یا خیر؟

حاج شیخ اسدالله - پیشنهاد بنده همان پیشنهاد آقای عدل الملک بود - باختلاف عبارت

رئیس - خیر آقا اینطور نیست قرائت میشود ملاحظه میفرمایند

(مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

حاج شیخ اسدالله - این مطلب که آقای عدل الملک نوشته بودند که مدعی العموم از هر جهت از خرج محاکمه معاف باشند با پیشنهاد بنده که مأمورین مالیه از خرج محاکمه در صورتیکه مدعا به بصندوق دولت وارد شده باشد معافند یکی است منتهی عبارت بنده با عبارت ایشان فرق دارد و الا مطلب بنده همان مطلب پیشنهاد ایشان است در صورتیکه بصندوق دولت عاید شده باشد معافند متعلق بجزه اخیر است که انما و پیشکاران مالیه باشند نه مدعی العموم از این جهت پیشنهاد بنده با پیشنهاد آقای عدل الملک تفاوت ندارد و فقط تفاوت عبارتی است باز هم عرض میکنم رای بگیرند

رئیس - مطلب درست نوشته نشده است و ظاهر عبارت اینطور نمیساند

محمد هاشم میرزا - بنده هیچک از این پیشنهاد ها را کافی نمی دانم چنانکه اگر اداره تشخیص عایدات یا سایر ادارات دولتی سهوا یا عمدتاً یک اشتباهی کرده باشند یک مأموریکه اجرای حکم دولت را بکنند هیچ ایرادی عرفاً بر او وارد نیست چون وارد نیست از خرج محاکمه معاف است اما در اقسام دیگر اگر تجاوز کرده باشد چه بصندوق دولت وارد شده باشد یا نشده باشد تجاوز است منتهی آنوقت یک منفعت مالی بوده است و غرض شخصی بخرج داده اهدا باید مخارج محاکمه را بدهد

مخبر - اگر کسی معتقد باین اساس بشود البته در این زمینه بهترین پیشنهاد پیشنهاد آقای عدل الملک است و این پیشنهاد که ایشان میفرمایند که اگر پیشکاران و امنا مالیه پولی گرفته و بصندوق دولت داده باشند باز هم خود آنها محکوم بدانند مخارج محاکمه را بدهند

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم

(مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله آقایان که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد دو فقره پیشنهاد دیگر شده است یکی پیشنهاد آقای دکتر لقمان است که قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده این قسم نوشته بشود مدعی العموم بامامورین

مالیه مادامیکه برخلاف دستور قوانین مقرر رفتار نمایند از دادن مخارج محاکمه معافند

رئیس - آقای دکتر لقمان توضیحی دارید

دکتر لقمان - گمان نمیکنم محتاج بتوضیح باشد بجهت اینکه مأمورین مالیه یا مطابق قوانین مقرر رفتار کرده اند یا نکرده اند اگر آن دستوری که بآنها داده شده است مطابق آن رفتار کرده است و چیزیکه گرفته اند بصندوق دولت داده شده است خودشان شخصاً مرتکب عملی نشده اند که خرج محاکمه را بدهند و اگر شخصاً خودشان چیزی گرفته اند و بصندوق دولت داده شده و یا نشده باشد چون مخالف آن دستور رفتار کرده اند البته باید خرج محاکمه را بدهند

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان بیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد ماده (۲۸) قرائت میشود

ماده (۲۸) بمضمون ذیل قرائت شد

ماده (۲۸) در صورتیکه پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایت متظلمین نشود میتوان تقاضای محاکمه نمایند در اینصورت با تصریح مدعا به کتابت بوزارت مالیه داده میشود

رئیس - در این ماده مغالطی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - بعد از آنکه خواستند عرض حال بدهند و محاکمه بکنند بنده تصور میکنم که عرض حال را بخود محاکمه بدهند بهتر است تا بوزیر مالیه داده شود

مخبر - مکرر گویا در اینجا عرض شده باشد که این محکمه محکمه اداری است و در تحت ریاست وزیر مالیه است طبعاً و قهراً هر مطلبی را باید از مجرای اداری وارد شد وزیر مالیه را که رئیس اداره است او را باید مسبق کرد که این محاکمه بتوسط وزیر مالیه بشود و این محکمه محکمه مستقلی نیست

رئیس - دیگر مغالطی نیست - رای میگیریم ماده (۲۸) آقایان بیکه این ماده را تصویب میکنند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده (۲۹) قرائت میشود ماده (۲۹) وظیفه محکمه مالیه رسیدگی بتظلماتی است که افراد مردم از تجاوزات ادارات و مأمورین مالیه مینمایند

رئیس - در ماده (۲۹) ایرادی نیست ؟

آقا سید فاضل - از آقای مخبر توضیح میخواستم که در این ماده بنویسد طریق محاکمه موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد گذشت

رئیس - این ماده (۳۰) است و در وظیفه محکمه مالیه است گویا اشتباه فرمودید در ماده (۲۹) مغالطی نیست - رای میگیریم در این ماده آقایان بیکه ماده (۲۹) را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۳۰) قرائت میشود

(ماده (۳۰) بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۰) طریق محاکمه موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب

کند که من بر طبق این دستورالعملها رفتار کرده ام و بالاخره وزیر مالیه محکوم میشود تبادلیه صدی پنج خرج محاکمه

رئیس - مخبر پیشنهاد را ملاحظه فرمودید ؟

مخبر - بلی شدم

رئیس - باید رای بگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان بیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد و مجدداً ماده (۲۷) قرائت میشود رأی در فوق ماده میگیریم (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - آقایان بیکه ماده (۲۷) را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد ماده (۲۸) قرائت میشود

ماده (۲۸) بمضمون ذیل قرائت شد

ماده (۲۸) در صورتیکه پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایت متظلمین نشود میتوان تقاضای محاکمه نمایند در اینصورت با تصریح مدعا به کتابت بوزارت مالیه داده میشود

رئیس - در این ماده مغالطی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - بعد از آنکه خواستند عرض حال بدهند و محاکمه بکنند بنده تصور میکنم که عرض حال را بخود محاکمه بدهند بهتر است تا بوزیر مالیه داده شود

مخبر - مکرر گویا در اینجا عرض شده باشد که این محکمه محکمه اداری است و در تحت ریاست وزیر مالیه است طبعاً و قهراً هر مطلبی را باید از مجرای اداری وارد شد وزیر مالیه را که رئیس اداره است او را باید مسبق کرد که این محاکمه بتوسط وزیر مالیه بشود و این محکمه محکمه مستقلی نیست

رئیس - دیگر مغالطی نیست - رای میگیریم ماده (۲۸) آقایان بیکه این ماده را تصویب میکنند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده (۲۹) قرائت میشود ماده (۲۹) وظیفه محکمه مالیه رسیدگی بتظلماتی است که افراد مردم از تجاوزات ادارات و مأمورین مالیه مینمایند

رئیس - در ماده (۲۹) ایرادی نیست ؟

آقا سید فاضل - از آقای مخبر توضیح میخواستم که در این ماده بنویسد طریق محاکمه موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد گذشت

رئیس - این ماده (۳۰) است و در وظیفه محکمه مالیه است گویا اشتباه فرمودید در ماده (۲۹) مغالطی نیست - رای میگیریم در این ماده آقایان بیکه ماده (۲۹) را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۳۰) قرائت میشود

(ماده (۳۰) بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۰) طریق محاکمه موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب

وارد میشد اولیاء امور آن شخص را وارد میکردند در وزارت تجارت یا سایر وزارتخانه های دیگر که هیچ بوط بمل نظام نبود و بنده در این مسئله و سایر مسائلیکه بعد باید مطرح بشود نظری دارم که مسئله سن را نباید بشل سابق طرف اهمیت قرار داد که حکماً کمتر از ۳۰ سال نداشته باشد اگر ما اشخاصی داشته باشیم چنانچه داریم که دارای سن کمتر از سی سال باشند و لیاقت و تجربه و معلومات آنها بیشتر از اشخاص سی ساله باشد نباید آنها را از عضویت در کمیسیون تطبیق حوالجات محروم کنیم و بنده معتقدم که اول سن را (۲۵) سال قرار دهند کفایت چون در این مدت ۵ سال هم تحصیلات هم تجربه لازم را میتوان اتخاذ نمود

مختصر السلیطان - همین قسم که فرمودید اطلاعات و تحصیلات در لیاقت شرط است باید بدانند که لیاقت تحصیلات تنها نیست پس از تحصیلات عملیات هم لازم است و هر کس که رفت تحصیلات فن مالیه را نمود و مراجعت کرد مسلم است این شخص در سن (۲۲)الی(۲۳) سال از تحصیلات خودش آسایش پیدا کرده و وارد عملیات میشود و قتیکه بخواند یک دوره عملیات به بیند لا اقل سی ساله خواهد شد برای اینکه معلومات و عملیات هر دو باشد کمیسیون سن را ۳۰ سال قرار داد حالا ممکن است یک شخص (۲۵) ساله هم تحصیلات خود را کامل کرده و یک قدری اطلاعات و عمل دیده باشد این اندازه عملیات کفایت نمیکند

فایب رئیس - آقای عدل الملک مخالفید **عادل الملک** - باسی سال مخالفم کلامه لیاقت ما را از تمام این اشکالات مستغنی خواهد کرد بواسطه اینکه در کس که تحصیلات میکند باید حاضر بشود برای امتحان و قتیکه بکلامه لیاقت مقید شد این احتمال هم مرتفع خواهد شد ممکن است در سن ۲۵ سال جوانهایی پیدا شوند که بتوانند از عهده این خدمت برآیند و محروم کردن آنها را از این کار با داشتن لیاقت بنده هیچ صحیح نمیدانم

مخبر - بنده متأسفانه بانظر آقای عدل الملک موافقت ندارم آن قسمتی که راجع بلیاقت است از برای طرد کردن این کسانیست که سی سال داشته و دارای اطلاع هم هستند ولی لیاقت ندارند پس این کلامه لیاقت تنها ما را مستغنی نمیکند که محدود بکنیم بسی سال و قناعت کنیم به ۲۵ سال زیرا اگر درست دقت بفرمایید در وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات خواهند دید که اگر این کمیسیون خوب انتخاب شود خیلی کمک به کار دولت خواهد بود و اگر بعد انتخاب شود ممکن است کار دولت را فلج کنند و بد هم ممکن است از حیث نظر اخلاق و یا اینکه از مد نظر بی تجربه گی باشد پس اینجا در بدی اخلاق نیست ممکن است یک آدم صحیح الاخلاقی باشد و معلومات داشته باشد ولی چون هنوز تجربه اداری یا مملکتی پیدا نکرده ممکن است یک چیزیکه برای امور مملکتی کمال اهمیت و ضرورت را دارد رد کنند و حواله وزیر مسالیه هم وقتی که با امضاء کمیسیون نرسد آنرا خزانه نمیتواند تأدیه کند پس این اسباب فلج مالیه مملکتی خواهد شد بنا بر این علاوه بر اطلاعات که بسیار لازم است تجربه هم بسیار لازم و مفید است پس مخصوصاً اعضا کمیسیون تطبیق حوالجات باید تجربه داشته باشند

و تجربه حاصل نمی شود مگر بعد از مدتی کار کردن در ادارات و اقل سن متوسطی که یک شخص تحصیل کرده که چند سال در ادارات خدمت کرده باشد سی سال است حالا ممکن است یک مستثنیایم باشد که یک شخص در سن (۲۵) سالگی تحصیلات خودش را تمام کند و چند سال هم در ادارات مشغول خدمت باشد و یک آدم باهوشی باشد و تجربیاتی حاصل بکنند این استثناء است و این را نمیشود در تحت قاعده کلی قرار داد علاوه بر این بنده باید یک نکته را عرض کنم که در آن وقت بفرمایند که اگر ما این قانون را برای کلیه مشاغل مالیه می نوشتیم تمام ایرادات آقایان وارد بود و یکی از آن کسانی که با این قانون مخالفت می کرد من بودم که می گفتم چرا باید (۲۵) ساله ها از خدمت بملکت خودشان محروم باشند و خدمت بدولت نکنند و بلکه نظر بنده این بود که بیست ساله هاهم داخل در خدمت بشوند زیرا که بین اشخاص بیست ساله هم ممکن است اشخاص عالمی باشند که بتوانند از عهده خدمات مالیه بخوبی برآیند ولی این نکته را فراموش نفرمایند که در میان پنج شه هزار نفر مستخدمین که ممکنست در مالیه باشند پنج نفر را گفتم که سی سال داشته باشند و بقیه مأمورین بهیچوجه محدود بسن نشده اند پس بنا بر این بنده تصور میکردم اگر آقایان باین سن سی سال موافقت و قناعت میکردند هر دو مقصود حاصل می شد

ملك الشهران - اولاً نمی توانم راضی بشوم که یک قسمت عمده جوانهای تحصیل کرده که خودشان را برای خدمت حاضر کرده اند آنها محروم از خدمت شوند ولو در اداره پنج نفری هم باشد ثانیاً بنده راضی نمی شوم که یک همچو سابقه در پارلمان بگذاریم می فرمایند مسئله لیاقت شرط است اگر مسئله لیاقت باشد که در این ماده نوشته شده است و اما لفظ تجربه لفظ فریبی است این لفظ تجربه یک تجربه برنده می شود برای دفع کردن تمام جوانان تحصیل کرده کار آزموده که هر وقت ما بخواهیم یک عده جوانان کافی تحصیل کرده را جلو بیندازیم آقایان با تجربه تجربه آنها را محروم خواهند کرد بنده نمی دانم مگر تجربه چقدر وقت می خواهد و آن کتابی که فیلسوف مجرب برای تجربه نوشته است کجاست که من هم ببینم و بدانم برای تجربه چقدر مدت لازم است بنده عرض میکنم که طفل در سن پنج سالگی بکتاب میبرد و تا سن هشت الی دوازده سالگی تحصیلات ابتدائی خودش را تمام می کند و تا سن یازده و شانزده تحصیلات مقدماتی می آموزد و تا سن ۲۳ سالگی مؤخرات علمش را کامل میکند و در سن ۲۳ سالگی داخل ادارات می شود و زحمت میکشد و تجربه حاصل میکند حتماً هشت سال باید زحمت بکشد و تجربه حاصل کند اگر هفت سال زحمت کشید و تجربه حاصل کرد و ۲۹ ساله شد باید او را محروم کرد بنده عرض میکنم تجربه را بدو سال میشود پیدا کرد و اگر آدمی قابل درک تجربه و مطالب اداری نباشد ممکن است بیست سال هم در یک اداره کار کند و لیاقت حاصل نکند و اگر قبایل باشد مانند بسیاری از جوانان تحصیل کرده می تواند در سن ۲۲ سالگی تحصیلات خود را بطوری کامل کند که قابلیت داخل شدن در ادارات را داشته باشد

و در ظرف دو سه سالی هم آن تجربه را هم که آقای مخبر حربه قرار دادند تحصیل کند گمان میکنم اطلاعات آقای مخبر کافی باشد و بسط بنده بخوبی مسبو هستند که غالب اشخاص که کارهای بزرگ کردند چه در مملکت ایران و چه در جاهای دیگر سنشان کم بوده است بنده از آن کسانی هستم که عقیده دارم روح جدیت و حرارت و فعالیت در جوانها پیدا میشود که سنشان سی سال نیست و خود آقای مخبر دلائل بزرگی از برای هریض بنده هستند

مخبر - اولاً بطور توضیح عرض می کنم که بهیچوجه مقصود بر داشتن حربه و بریدن شاخه هائیکه برای مملکت نافع است نیست بر عکس ما میخواهیم این نهالهای مملکت را آب یاری کنیم که بار در شده برای مملکت میوه های مفید عمل آرند اما این مسئله که آقای ملک الشهران فرمودند که کدام فیلسوف این مطلب را گفته است که ما حرف او را سرمشق قرار دهیم بنده یک جواب مختصری دارم آن فیلسوف که بزرگترین فیلسوفهای دنیا است و باید حرف او را سرمشق قرار داد آن زندگانی است و چیز دیگری نیست زندگی به ما می آموزد و با یکصدای رسائی میگوید از برای مملکت داری دو چیز لازم است علم و تجربه که یکی بدون دیگری نمی شود و ما را وادار میکند که در قانون گذاری این دو نظر را رعایت کنیم اما اینکه فرمودند تاریخ نشان میدهد اشخاصی را که سی سال نداشته و بسا کارهای بزرگ کرده اند بنده عرض میکنم برای آن اشخاص فوق العاده هیچ وقت زندگی قانونی نمی نویسد آن اشخاص فوق العاده تمام قوانین عالم را زیر پا میگذازند برای اینکه بقول (برمان) بلندتر شوند که میتوانند هر خطر را دورتر به بیند

فایب رئیس - پیشنهادی در این موضوع از آقای ناصر الاسلام رسیده قرائت میشود (بدین مضمون قرائت شد) در ماده ۳۶ در فقره ۲ چنین نوشته شود (داشتن لا اقل ۲۵ سال)

ناصر الاسلام - بنده دیگر وارد نمی شوم در اثبات تعیین این پیشنهاد یا تنقید پیشنهاد سابق (۳۰ ساله) باید همین قدر عرض کنم که این مسئله بالاخره راجع میشود بانقلاب مجلس شورای ملی در نظر دارم که در شور اول این قانون بنده اظهار کردم که یک چند نفری پیدا میشوند که سنشان کمتر از سی سال است و لیاقت این کار را دارند آقای مخبر تصدیق فرمودند و گفتند از یک کل بهار نمی شود بنده میخواهم عرض کنم اگر ما یک کلی داشته باشیم نباید آن گل را از استحقاقش محروم کنیم و چنانچه چند نفر از این جوانان داشته باشیم که مجلس شورای ملی تصدیق علم و تجربه آنها را داشته باشد دولت آنها را پیشنهاد کند نباید بعنوان اینکه سن آنها سی سال است از حق خود محروم شوند و در این موضوع بنده بیشتر توضیح نمیدم زیرا که انتخاب این اشخاص بسته به نظر مجلس شورای ملی است در صورتیکه دولت در ضمن ۱۵ نفر که سه نفریکه سنشان کمتر از سی سال باشد پیشنهاد کند و به بینیم لیاقت و تجربه کفایت و امانت دارند آنها را تصویب میکنیم و آن جوانهاییکه تجربه ندارند رد خواهیم کرد

پس در این صورت ضرری متوجه نخواهد شد که حد اقل ۲۵ سال نوشته شود

حاج عز الممالک - بنده عرض میکنم اولاً ترتیب این اداره مربوط به ترتیب سایر ادارات نیست در این جا باید سن محدود باشد و در سایر ادارات آزاد چنانکه مخبر محترم توضیح دادند اداره مالیه منحصر به پنج نفر اعضاء این کمیسیون نیست بنده خودم حاضر هستم و میگویم اشخاصیکه رفته اند و تحصیل کردند حق تقدم دارند بر آن اشخاصیکه فقط تجربه دارند و علم ندارند البته همین ادارات و تشکیلات باید از اشخاص تحصیل کرده با علم تشکیل شود اما اعضاء این کمیسیون که وظایف شان فرموده بده معلوم خواهد شد باید مقاومت کنند در مقابل اظهارات تمام وزارت خانه ها و تقاضا نامه ها و التماس نامه هائیکه نسبت بخارج این نهالهای مملکت را آب یاری کنیم که بار در شده برای مملکت میوه های مفید عمل آرند اما این مسئله که آقای ملک الشهران فرمودند که کدام فیلسوف این مطلب را گفته است که ما حرف او را سرمشق قرار دهیم بنده یک جواب مختصری دارم آن فیلسوف که بزرگترین فیلسوفهای دنیا است و باید حرف او را سرمشق قرار داد آن زندگانی است و چیز دیگری نیست زندگی به ما می آموزد و با یکصدای رسائی میگوید از برای مملکت داری دو چیز لازم است علم و تجربه که یکی بدون دیگری نمی شود و ما را وادار میکند که در قانون گذاری این دو نظر را رعایت کنیم اما اینکه فرمودند تاریخ نشان میدهد اشخاصی را که سی سال نداشته و بسا کارهای بزرگ کرده اند بنده عرض میکنم برای آن اشخاص فوق العاده هیچ وقت زندگی قانونی نمی نویسد آن اشخاص فوق العاده تمام قوانین عالم را زیر پا میگذازند برای اینکه بقول (برمان) بلندتر شوند که میتوانند هر خطر را دورتر به بیند

فایب رئیس - آقای عدل الملک که عضو کمیسیون قوانین مالیه هستند حق مذاکره ندارند **ناصر الاسلام** - بنده ناچارم در ضمن این توضیحاتی که آقایان میدهند بعضی هریض بکنم مگر دیده شده است اشخاص متمتع مجری که مامور نظر گرفته ایم برای اشغال یک چنین مقام محترمی با داشتن ۶۰ یا ۷۰ سال از وجود آنها جز مضرت چیزی دیده نشده امروز ما وارد میشویم در تجربه که اینجا هیچ وجود خارجی ندارد بنده عرض میکنم در وزارتخانه ها و ادارات و تشکیلات اشخاص مجرب حقیقی نداریم جز یک عده خیلی کمی و بقیه که خود را اعضاء کارکن ادارات دانسته و سرمایه افتخار آنها این است که ما تجربه داریم و دود چراغها را خوردیم تا باین مقام رسیده ایم و از اوضاع داخله مرکز یعنی جغرافی مرکز اطلاع ندارند تا چه رسد باطلاع از جغرافی ایالات و ولایات و از هایدات داخله تهران اطلاع ندارند تا چه رسد به ایادات ولایات و در اینجا ما نظر نداریم که اشخاص را بیایوریم (دیکناتور) قرار بدیم اگر در ضمن آن ۱۵ نفر که دولت پیشنهاد می کند چند نفر را در نظر گرفت که سن ۲۵ سال باشد و مجلس شورای ملی هم تصدیق کرده که دارای اطلاع و بصیرت هستند چون اختیار با مجلس شورای ملی است تقاضا کردم که سلب حق از آن چند نفر نشود و اگر هم معرفی شدند و مجلس دیدلایق نیستند باز اختیار با مجلس است که آنها را رد کند

فایب رئیس - پیشنهاد قرائت میشود (مجدداً قرائت شد) رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد اشخاصیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند) **فایب رئیس** - در قسمت سوم مخالفی نیست - اظهاری نشد پس رای میگیریم بماده ۳۶ آقایانیکه ماده ۳۶ را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

فایب رئیس - تصویب شد - ماده ۳۷ قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۳۷ - اعضاء مجلس شورای ملی و سنا و اشخاصیکه دارای مشاغل دولتی هستند یا متصدی معاملات دولتی میباشند نمی توانند عضو کمیسیون مزبور باشند مگر اینکه بعد از انتخاب از شغل اولی خود استعفا دهند

فایب رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهار مخالفی نشد) اشخاصی که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند) (ماده ۳۸ بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۳۸ - کمیسیون مزبور یک نفر رئیس و یک نفر نایب رئیس از میان خود انتخاب خواهد کرد و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهد داشت

فایب رئیس - مخالفی نیست **ناصر الاسلام** - این کمیسیون در واقع یک اداره است و اداره هم البته یک نفر رئیس و یک نایب رئیس می خواهد ولی بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت این (بقدر لزوم) لاستیک دار و کش دار است چه لزومی دارد که ما در جزء قوانین تأسیسات مالیه بنویسیم که کمیسیون تطبیق حوالجات یک رئیس و یک نایب رئیس خواهد داشت خیلی مضحک است مسلم است یک کمیته ای که تشکیل میشود رئیس و یک نایب رئیس می خواهد و این یک چیز مهمی نیست که مادر تشکیلات اساسی مالیه بنویسیم

مخبر - اگر یک ماده این قانون نمی بود حق با آقای ناصر الاسلام بود بنده هم عرض میکنم لازم نیست ولی چون در ماده ۲ مبنویسد ادارات و هیئت مالیه در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود لازم بود که این ماده را بنویسیم اگر در این لایحه تصریح نمی کردیم که خود کمیسیون رئیس و نایب رئیس دارد ممکن بود تصور شود که کمیسیون تطبیق حوالجات بر طبق همان ماده باید جمله در تحت ریاست وزیر مالیه باشد پس بنا بر این ناگزیر بودیم که این مسئله را بجهة رفع اشتباه تصریح کنیم اما آن تصمیمی که راجع بمنشی است مقصود این بود که منشی از اعضاء کمیسیون نیست فقط رئیس و نایب رئیس از اعضاء کمیسیون خواهد بود و خود اعضاء هم نمی توانند منشی گری کنند زیرا وقتشان زیاد خواهد شد بنا بر این رئیس و نایب رئیس از همانه نفر خواهد بود و منشی غیر از آنه نفر و این که نوشته است (اجزا بقدر لزوم) برای این بود که بدانند کمیسیون غیر از ه نفر اجزاء دیگر خواهد داشت و نکویند بر طبق تمام کمیسیونها یک نفر رئیس و یک نایب رئیس و دو نفر منشی دارد زیرا که این کمیسیون کارهای زیاد دارد و بعضی اسناد لازم است در آن جا ضبط شود باین جهت لازم بود که این ماده نوشته شود

ناصر الاسلام - آن قسمت اول را که توضیح دادند بنده قانع شدم اما در قسمت دوم بنده تصور نکردم که منشی و اجزای اعضاء کمیسیون خواهند بود بنده عرض کردم بقدر لزوم نوشته و چون معین نشده کش بردار است ممکن است بگویند بیست

یاسی اجزاء میخوانند و چون اجزاء خارجی باید داشته باشند لازم است صورت بدهند تا این که یک عده زیادی اجزا برای کمیسیون معین نشود

مخبر - بلی این نظر را میخواستم عرض کنم ولی فراموش کردم - تعیین اجزا در قوانین اساسی نمی شود فقط در قوانین تشکیلات ممکن است متعرض داشتن یا نداشتن اجزا شد ولی تعیین عده اجزا منوط بود چه است و چنانچه در یک موقع دیگر هم عرض کردم تا بود چه نباید بمجلس نمیشود موفق بتعیین عده اجزا شد حالا ما از مد نظر تشکیلات در این جا حرف میزنیم و داخل عمل نشده ایم کمیسیون تطبیق حوالجات هنوز دائر نشده است که ما بدانیم ۵ نفر و یا ۳ نفر و یا ۲ نفر نویسنده لازم دارد چطور ممکن است معین کنیم اگر ۵ نفر و یا ۳ نفر معین کنیم ممکن است کم یا زیاد باشد در تمام عالم قوانین و بودجه یکدیگر را تکمیل میکنند زیرا تا یکی نباشد یکی دیگر هم همیشه ناقص است بودجه همیشه این قبیل مسائل را تکمیل میکند و قوانین راجع به کلیات است

فایب رئیس - آقای حاج شیخ یوسف مخالفید ؟

حاج شیخ یوسف - سوالی دارم - در ماده ۲ نوشته شده است کلیه ادارات مالیه در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود و از برای خود کمیسیون هم یک رئیس و یک نایب رئیس معین شده است به نام لایحه بموجب ماده ۲ خود کمیسیون باید در تحت ریاست وزیر باشد بنده مشوال می کنم این صحیح است یا خیر

مخبر - چون مشغول خواندن یک پیشنهادی بودم ملتفت نشدم خوبست مقصود خودشان را دوباره بفرمایند تا جواب عرض کنم

حاج عز الممالک - این مسئله منافی نیست با آن اظهاریکه آقا فرمودند بجهة این که هم اداره رئیس مخصوص خواهد داشت در تحت ریاست عالیه وزیر خواهد بود و چون این جا راجع بکمیسیون بود لهذا تصریح شده است که باید یک رئیس داشته باشد

فایب رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

فایب رئیس - تصویب شد - ماده ۳۹ قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۳۹ - مدت مأموریت اعضاء کمیسیون مزبور یکسال است پس از انقضاء مدت مزبوره در صورت صحت عمل همان اشخاصی را میتوان مجدداً مطابق ماده ۳۵ انتخاب کرد

محمد هاشم میرزا - اینکه نوشته شده است مطابق ماده ۳۵ همان اشخاصی را انتخاب خواهد کرد یعنی چه اگر وزیر بخواهد می تواند هر کس را انتخاب و بمجلس پیشنهاد کند و مجلس رأی بدهد این مطلب یک ماده دیگری لازم دارد - اگر مقصود اینست که مجلس انتخاب کند بهتر این بود که نوشته شود در مرتبه دوم محتاج به پیشنهاد وزیر نیست و مجلس انتخاب خواهد کرد و الا گمان میکنم اگر مقصود این نباشد فائده بر این ماده مترتب نخواهد بود **مخبر** - مقصود اینست که وزیر مالیه میتواند

ثانیاً آنها را پیشنهاد کند اما قسمتی که گفتند لازم نبود این مسئله نوشته شود عرض میکنم در اغلب قوانین مثلاً در قانون انتخابات می نویسد ممکن است همان شخصی که اول انتخاب شده بود دوم مرتبه انتخاب کرد اینجا هم ضرر ندارد که بگویند يك شخصی که در يك دوره بوده است ممکن است دو باره انتخاب شود بجهت اینکه شاید گفته شود يك شخصی که در يك دوره بوده است در دوره دیگر نمیتواند باشد اما ایراد ثانوی که فرمودند آن دیگر بکلی برخلاف اساسی این قانون است برای اینکه در ابتداء یعنی در ماده های قبل ممتد شدند که کمیسیون را باید مجلس از میان پانزده نفر که وزیر پیشنهاد میکند انتخاب نماید لابد بجهت این مطلب مقصودی داشته اند همان مقصودیکه در وحله اول بود همان مقصود طبعاً و قهراً در وحله ثانی هم هست و آن مقصود این است که از يك طرف چون کمیسیون تطبیق حوالجات تا تشکیل دیوان محاسبات قائم مقام آن است لهذا اعضاء این کمیسیون نسبت به اعضاء سایر دوائر وزارت مالیه بابت استقلال داشته باشد پس باید چه در موقع انتخاب آنها وجه در موقع اشتغال آنها کمال دقت را نمود که اشخاص صحیح العمل مجریی انتخاب شوند از این نقطه نظر تصور میشود که باید مجلس شورایی را دخالت داده باعمال نظر در انتخاب آنها از طرف دیگر این اشخاص باید در واقع نماینده مجلس باشند در موقع اعمال نظارت مجلس شورایی در مالیه و همین طور از طرف دیگران و جمله اداری از آنها سلب نمیشود این هم اداره خواهد بود در وزارت مالیه منتها یک قدری مقتدرتر و محکمتر از سایرین وقتیکه این نظریات را هم جمع میکنیم باید اولاً وزیر را در تعیین و پیشنهاد کردن اشخاص برای انتخاب آزاد کرد ولی ممکنست بگویند وزیر مالیه پنج نفر را پیشنهاد کند و مجلس هم آن پنج نفر را انتخاب کند در این صورت محدود میشود طبعاً وقتیکه محدود شد دیگر مجلس نمیتواند ببیند کدام مرجع است لهذا گفته شده است که عده سه مقابل بمجلس شورا پیشنهاد شود که هم نظر وزیر ملحوظ شده باشد و هم مجلس از میان پانزده نفر پنج نفر را که لایق تر باشند انتخاب کند همان فلسفه که در پیشنهاد کردن پانزده نفر در سال اول منظور است همین همان قضیه در سال دوم هم هست زیرا ممکن است پس از انقضای یکسال وزیر مالیه پانزده نفر دیگر را پیشنهاد کند آنوقت موافقتی بنا اصل اولیه نشده زیرا سال اول از میان پانزده نفر انتخاب کرده است و سال دوم از میان بیست نفر **محمد هاشم میرزا** - فرمایشات آقای مخبر بنده را قانع نکرد دلیلی که آوردند نقضی بود نه حلی فرمودند در قانون انتخابات هم اینطور نوشته شده است بله همین اعتراض باز در قانون انتخابات هست و اینکه در قانون انتخابات نوشته شده دلیل نمی شود که در اینجا نوشته شود بنده عرض میکنم آیا وجود این ماده برای چه چیز است .

آیا برای کسانی که سال اول انتخاب شده بودند يك حق تقدمی فرض میشود اگر حق تقدمی دارند پس اینقدر نوشته شود در صورتیکه صحت عمل از آنها دیده شود وزیر مالیه از پانزده نفری که انتخاب خواهد کرد پنج نفر آنها باشند که اقل این اشخاصی که یکسال

بوده اند از صحت عمل خود نتیجه بگیرند که جزو پانزده نفر باشند حالا مجلس میخواهد انتخاب می کند نمیخواهد انتخاب نمیکند در هر صورت و همین قدر معین باشد در پانزده نفر و آن فلسفه که میفرمایند حق پیشنهاد وزیر مالیه از بین می رود بنده میگویم نمی رود و فرس این است که اشخاص صحیح و بصیر و باصحت عمل پیدا کنیم و از برای اینکار انتخاب کنیم اما اگر وزیر پانزده نفری را که خودش میخواهد پیشنهاد کند و آن پنج نفر در میان آنها نباشند باز ما باید يك چیز مشکوک تازه انتخاب کنیم بنده عرض میکنم اگر این پنج نفر حق تقدم دارند و بخواهند از آنها انتخاب کنند خیلی خوب ولی اگر قائل باین فلسفه نباشند پس گذاشتن این ماده چه فائده دارد نوشتن اینکه سال دیگر حق دارند انتخاب شوند چه فائده دارد بنده هم حق دارم انتخاب شوم این يك فضیلتی نیست هر کس دارای شرایط آن باشد حق انتخاب دارد ممکن است انتخاب شود پس این مقدمه باین مؤخره هیچ ارتباطی با هم ندارند و با هم نمی سازند یا باید آنها قبول بفرمایند یا باید این ماده را بردارند .

نایب رئیس - پس باید پیشنهاد بفرمائید .

حاج عزاله مالک - بنده اولاً با ماده موافقت و اینکه حضرت والا فرمودند چه فائده داشت که این ماده را نوشته اند بنده عرض میکنم چه ضرر دارد که قانون تصریح کند که ممکن است همان اشخاص را دوباره پیشنهاد کرد اما اینکه بگویند آنها حق تقدم داشته باشند در حقیقت رأی مجلس آتی بعمل نمائندگان بعد را محدود کرده ایم و ما نباید آنها را محدود کنیم و باید آنها مجاز باشند در اینکه هر کس را میخواهند انتخاب نمایند و اگر بگویند آنها حق تقدم دارند قبلاً ما حق نمایندگان آتی را محدود کرده ایم برای اطلاع خاطر آقایان با اجازه آقای رئیس میخواهم عرض کنم که هیئت وزرا در این ماده پیشنهاد کرده بودند که مأموریت این کمیسیون دوسال باشد و کمیسیون یکسال را تصویب کرد و چون ممکن بود بعدها اسباب اشکال شود لهذا عرض کردم تا خاطر آقایان مسبوق باشد و البته هر رأی بدهند مطاع خواهد بود .

ناصر الاسلام - بآن توضیحاتی که آقای محمد هاشم میرزا دادند بنده گمان می کردم آقای مخبر قانع میشوند يك دلیل محکمی که بنده میتوانم عرض کنم این است که اگر مقید نکند که این چند نفریکه بعضویت کمیسیون معین شده بودند دوباره در پیشنهاد وزیر باشند ممکن است که بالنسبه باین اشخاص صحیح العمل يك نظر غرضی داشته باشند و آنها هیچ پیشنهاد نکنند آنوقت خواهیم دید نتیجه این خواهد شد پنج نفریکه در ظرف یکسال بصحت عمل امتحان دادند بواسطه يك نظر خصوصی یا غرض و یا بیک جهت خارجی از عضویت کمیسیون محروم بمانند پس بطوریکه شاهزاده اظهار کردند هیچ اثری بر این قسمت مترتب نیست و اگر بطوریکه فرمودند اصلاح شود بنده خیلی مصلحت ها در آن می بینم .

معدل الدوله - عرض میکنم يك قسمت بزرگ تشکیل این کمیسیون را ابتدا بوزیر واگذار

کردیم بنده هیچ نمی توانم تصور کنم که يك وزیر یاوزار تخانه در اول نظرش نظر فرضی باشد و چون بآنها خدمت رجوع کنیم غرض بخرج دهند یا هر وقت که قانون میگذرانیم نظرم آن خواهد بود که وزیر مسئول و آگاه وزیری که صرفه دوات و مملکت را میخواهد آن وزیر را بشناسیم و معتقد باشیم آن پانزده نفری را که معین میکند باین عقیده خالصی از میان چهار صد یا صد نفر اشخاصی که دارای تمام این شرایط هستند انتخاب کرده است مسلم و محقق است پس از اینکه دوره خدمت بر آمد لازم است که آنها را بر دیگران ترجیح دهد و ترجیح هم خواهد داد حالا بدون هیچ فلسفه در صورتی که در دفعه اول که تازه میخواهیم این کمیسیون را تشکیل بدیم میگوئیم هر پانزده نفر را وزیر پیشنهاد کند در دفعه ثانی میگوئیم پنج نفر اشخاص مخصوصی باشند در حالیکه ما شخصاً در آنجا نیستیم و از عمل و رفتار آنها اطلاعی نداریم که خوب رفتار کرده اند یا بد آن وزیری که مسئول است البته دقت خواهد کرد و هر کدام که خوب رفتار کرده باشند و صحت عمل داشته باشند و واقعاً از عهده خدمت بر آمده باشند آنها را جزو پانزده نفر انتخاب خواهد کرد و اگر چنانچه بالفرض آنها خوب رفتار نکرده باشند هیچ لازم نیست که ما بطور اختصاصی يك حق بآنها بدیم که همگی خودشان را مستحق بدانند یا بلیاقت خودشان را بروز بدهند و لایق باشند .

محمد هاشم میرزا - فرمایشی که آقای معدل الدوله فرمودند که اگر وزیر مالیه دید صحت عمل ندارند آنها را رد خواهد کرد عرض میکنم خود قانون صحت عمل را فرض کرد اگر صحت عمل نداشته باشند نمیتوانند انتخاب شوند ولی اگر نمایندگان بجهت صحت عمل آنها قائل شد این ماده چه لازم کرده است و اگر باید قائل شد پس باید حقیقتاً اجری بجهت آنها منظور داشت باید فکر کرد این کمیسیون تطبیق حوالجات قائم مقام دیوان محاسبات ووظائفی هم برای آن معین شده وقتیکه باین مطلب قائل شدیم و بصحت عمل و درستی پنج نفر اعضاء آن اطمینان حاصل کردیم البته هر چه بتوانیم استقلالشان بدیم هم مضرتی برای ما نخواهد داشت و بواسطه این پنج نفر و این هیئت کمیسیون که قائم مقام دیوان محاسبات و جایگزین آن است جلوگیری کاملی از بی ترتیبی امور مالیه مملکت خواهد شد لهذا ضروری ندارد که پنج نفریکه صحت عمل داشته و تجربه هم باشند اینقدر حق تقدم داشته باشند بر پنج نفر دیگریکه از حال آنها مسبوق نیستیم و بطور قطع نمایان این وظایفی را که در عهده میگیرند می توانند از روی صحت عمل اداره کنند بانه در همان مسئله که مطرح مذاکره بود میفرمودند تجربه خیلی اهمیت دارد و حالا چطور شده که در اینجا بتجربه چندان اهمیت نمیدهند البته اشخاصیکه صحت عمل بخرج داده و تجربه هم کرده باشند با اشخاص بی تجربه مساوی نیستند و مقدم بر آنها خواهند بود

مخبر - برای اینکه بنده مکرر توضیح نداده باشم تقاضا میکنم پیشنهاد را بخواهند تا بعد توضیحات خودم را عرض کنم

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صورت صحت عمل هر کدام در دوره بعد باید جزو پانزده نفر از طرف وزیر مالیه پیشنهاد مجلس مقدس شود

مخبر - اگر آقایان درست دقت نمایند در این پیشنهاد ملاحظه خواهند فرمود اولاً در این قسمت که فرمودند که چون این کمیسیون قائم مقام دیوان محاسبات است و باید حتی الامکان آنرا استقلال بدیم عرض میکنم بمانند ملاحظه و نظری که در وقت نوشتن قانون دیوان محاسبات و گذشتن آن از مجلس مراعات این نکته را نکردیم تا امروز هنوز مقتضی نمایانیم که دیوان محاسبات را تشکیل کنیم و الا جهت دیگری ندارد که تاکنون تشکیل نشده زیرا اگر بخواهیم داخل عملیات بشویم می بینیم بواسطه کثرت استقلال و اقتداری که دیوان محاسبات دارد امروز ببرد ما نمیخورد پس بمانند نظر تجربه دیوان محاسبات ما را و انداز میکنم يك حد وسطی را در اینجا قائل شویم که هر دو جهت در آن منظور شده باشد و اما این که مرقوم فرموده اند در صورت صحت عمل باید وزیر مالیه آنها را در جزو ۱۵ نفر پیشنهاد کند اگر درست دقت بفرمایند دو طرف قضیه با هم چندان رابطه ندارد و از یک طرف بواسطه کجانی صحت عمل در آن و وزیر مالیه را حاکم قضیه قرار دادن بنده عرض میکنم آنکه بگوید این شخص صحیح العمل میباشد بانه کیست شما که نرفته اید به بینید صحیح العمل بوده بانه مقالات جرایم را هم نخوانیم داشت به بینیم نوشته است این شخص خوب بوده استهاد هم که نمیشود از مردم کرد که فلان آدم را عمل میباشد بانه کیست شما که نرفته اید به بینید صحیح العمل بوده بانه مقالات جرایم را هم نخوانیم داشت به بینیم نوشته است این شخص خوب بوده وزیر مالیه را حاکم قضیه خواهند دانست اهم از این که حکمیت وزیر مالیه در این باب از روی غرض شخصی باشد یا از روی واقع چطور می توان آن ها را از هم فرق داد اگر وزیر مالیه دلش نخواست بتواند عدم لیاقت آنها را پیشنهاد نخواهد کرد و اگر بخواهد باو اعتراض کند با چند گله مشع خواهد گفت شما شرط کرده اید لیاقت را و من بر حسب مسئولیتی که دارم آن ها را لایق نمیدانم پس چون حاکم قضیه وزیر مالیه است لهذا این موقفت برای شما حاصل خواهد شد و از طرف دیگر شما در مقدمه این ماده وزیر مالیه را در انتخاب پانزده نفر آزاد کرده اید و حالا میخواهید آن آزاد را که داده اید از اول سلب بکنید و میگوئید باید هر کدام از این ۱۵ نفر را در صورت صحت عمل در ضمن آن ۱۵ نفر پیشنهاد کنند در این جا هم وزیر مالیه میتواند بگوید که من وزیر مالیه مسئول هستم و نظر باینکه در دنیا مقتضی است که در مقابل او يك اختیاری باشد پس قانون بن اختیاری داده است و هیچ مقتضی و صلاح نمیدانم که فلان اشخاص را پیشنهاد کنیم میخواهم ۱۵ نفر دیگری را پیشنهاد نمایم خودتان که متصدی امر مالیه نیستید بلکه متصدی آن وزیر مالیه خواهد بود و چطور میتواند اختیار را از وزیر مالیه سلب بکنید خصوصاً چنانکه عرض کردم حاکم قضیه وزیر مالیه است و هیچ يك از این مطالب جلوگیری از افراض شخصی نمی کند و در صورتیکه وزیر

بخواهد اعمال فرض کند میتواند متوسل شود بمسئله لیاقت و بگوید چون شما شرط کرده اید لیاقت را من این اشخاص را لایق نمیدانم و اشخاصی را که لیاقت دارند و بنظر من اصلاً پیشنهاد میکنم **محمد هاشم میرزا** - بنده عرض میکنم اما مسئله صحت عمل چیزی نبود که بنده اعتراض با اضافه کرده باشم بلکه در خود ماده است و بمانند طور پیشنهاد شده است اگر این مسئله حقیقتاً مصداق خارجی ندارد پس لازم نیست در قانون چیزی را بگذاریم که مصداق خارجی نداشته باشد و اگر مصداق خارجی دارد در این جا هم که بنده پیشنهاد کرده ام و اما اینکه میفرمایند این مطلب همیشه بسته بنظر وزیر مالیه است بنده عرض میکنم اینطور نیست زیرا که اگر وزیر مالیه بگوید فلان شخص ۳۰ سال یا کمتر دارد باینکه نسبت باشخصی که بصحت عمل معروفند بگوید اینها صحیح العمل نیستند ما فوراً قبول نمی کنیم و میبرسیم مواردی را که اینها خیانت کرده اند کجا است اگر این قسم مطالب را نبرسیم هیچوقت موفق باصلاح امور مملکتی نخواهیم شد - البته مجلس شورای ملی اطمینان بخواهد پیدا کند و در موضوعات خارجی هم توجه و نظر خواهد داشت - و اینکه میفرمائید دیوان محاسبات بواسطه استقلال زیادی که بآن داده شد تاکنون موفق بتشکیل آن نشده ایم بنده عرض میکنم که مانند دیوان محاسبات را که یکباره مشغول عملیات شود تا به هم میامیشت چیست و گمان میکنم این يك تصویری است که فرمودند بواسطه اینکه ما هنوز دیوان محاسبات را بکار نینداخته ایم تا به بینیم منافعیست و عقیده ام این است که تشکیل آن برای مملکت خیلی منافع دارد و اما راجع باینکه میفرمایند این ترتیب اختیار وزیر را از میان میبرد و عرض میکنم باید دانست مقصود از کمیسیون تطبیق حوالجات چه چیز است - البته مقصود از تشکیل این کمیسیون يك نظارت محکم خیلی قویست در امور مالیه و محض اینکه میخواهیم استقلال وزیر را متزلزل نکنیم دست و پای خردمان را بسته و میگوئیم که وزیر مالیه ۱۵ نفر را بمجلس پیشنهاد کند و مجلس باید از میان آنها پنج نفر را انتخاب نماید و حال آنکه در دیوان محاسبات که باید وزیر مالیه ۳۶ نفر را بمجلس پیشنهاد کند و مجلس ۱۲ نفر از میان آنها انتخاب نماید باز مجلس مختار میباشد در اینکه آن عده را از میان ۳۶ نفر انتخاب نماید - عرض میکنم ما که تمام اختیارات را محدود کرده و بوزیر مالیه داده ایم و میخواهیم بمقصودیکه نظارت اعضاء این کمیسیون در تطبیق حوالجات و جمع و خرج مملکتی باشد برسیم و ۵ نفر اشخاص تجربه کرده هم داریم اگر نباید وقتی بحال آنها گذاشت هیچ لازم نیست که آنها را کول بزنیم و بگوئیم اگر صحت عمل از شما دیدیم ممکن است شما را دوم مرتبه انتخاب کنیم در يك همچو اداره که تاکنون در مملکت ما تأسیس نشده هر مالیم بتجری هم که باشد باز باید اقل یکسال در آنجا بماند تا از اوضاع و ترتیبات آن اداره مطلع شود بلکه تمام جمع و خرج مملکت اطلاع پیدا کند و این گونه تجربیات در

هیچ يك از ادارات پیدا نمی شود و چیزی نیست که بتوان در يك مدرسه تحصیل کرد لهذا این چند نفری را که یکسال کار کرده و تجربه پیدا نموده اند نباید از دست داد و باید دولت هریک از آنها را که صحت عمل دارند در جزء آن پانزده نفر بمجلس پیشنهاد کردند و البته مجلس شورای ملی هم اگر نخواهد آنها را انتخاب نخواهد کرد

نایب رئیس - پیشنهاد مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم .

(بمضمون سابق قرائت شد)

حاج عزاله مالک - بنده والا بیک مقداری اظهار تعجب میکنم از اینکه شاهزاده در کمیسیون اظهار نکرده و باین ماده رأی دادند و حالا نمی دانم چطور شد که در این جا بیکر بمخالفت میکنند در صورتیکه در خود ماده حتی پیشنهاد کردن این پانزده نفر به اختیار وزیر و اگذار شده و این شرطی را که کرده اند که در صورت صحت عمل آن پنج نفر دوباره آنها را پیشنهاد کنند با حق پیشنهادی که بوزیر داده شده مخالف بگذر است و این مطلب را آقای مخبر خوب توضیح دادند اگر سوء ظن باشد که وزیر مالیه حقیقتاً تبعیض میکند و بغیال خودش پیشنهادی مینماید وی می تواند بگوید من آنرا لایق نمی دانم و باید دیگری را پیشنهاد کنم و اگر سوء ظن نباشد و او را آدم صحیحی بدانیم البته خودش فکر میکند و اشخاص صحیح باید اطلاعی را برای عضویت این کمیسیون بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید و اینکه میفرمایند رأی نمایندگان کابینه باید برای بدنه محدود نخواهد بود بنده عرض میکنم محدود خواهد شد بواسطه اینکه میفرمایند اگر آن پنج نفر صحت عمل داشته باشند باید وزیر مالیه آنها را جزو پانزده نفر بمجلس پیشنهاد کند و مجلس از میان آنها پنج نفر را انتخاب نماید در صورتیکه شاید مجلس مایل نباشد و نخواهد که از آنها انتخاب کند پس باین پیشنهاد يك ماده دیگری هم لازم میاید که وزیر مالیه پانزده نفر را در صورتیکه صحت عمل داشته باشند باید پیشنهاد نماید و الا مجلس آن پیشنهاد را رد و بوزیر مالیه تکلیف خواهد کرد پانزده نفری را که صحیح العمل باشند پیشنهاد کند و اگر وزیر مالیه این کار را نکرد آنوقت مجلس چه تکلیفی خواهد داشت ؟ و در خاتمه عرض میکنم که در این جا ما داریم بحال افراط و تفریط میرویم در موقع مذاکره در انتخاب پیشنهادکنندگان مالیه باینکه احساساتی اختیارات را بوزیر مالیه دادیم و حالا در این جا میخواهیم اختیارات او را محدود کنیم آن دو نفره بکلی مخالف با یکدیگر است

نایب رئیس - در این باب توضیحات داده اند حالا باید رأی بگیریم - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب بفرمایند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند تصویب نشد)

رأی میگیریم به ماده آقایانیکه ماده ۳۹ را تصویب بفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد (ماده ۴۰ بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۴۰ - در صورت فوت یا استعفا و یا انفصال دائمی یکی از اعضاء کمیسیون مجلس شورای ملی بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه عضو لازم را از میان عده که سه مساوی عده لازم باشد انتخاب میکنند

نایب رئیس - در این ماده مخالفی نیست

(اظهاری نشد) اشخاصیکه ماده ۴۰ را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد - ماده ۴۱ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۱ - در صورتیکه مدت مأموریت اعضاء کمیسیون در قیام مجلس شورای ملی منقضی شود زمان انقضاء مجلس جدید همان اعضاء در مدت مأموریت خودشان باقی خواهند بود

نایب رئیس - در این جا هم گویا مخالفی نیست آقایانیکه ماده ۴۱ را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) (تصویب شد) (ماده ۴۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۲ در صورت فوت یا استعفا یا انقضاء دائمی یکی از اعضاء کمیسیون در غیبت مجلس شورای ملی از عده که از میان آن ها انتخاب شده است کسیکه اکثریت نسبی دارد بجای عضو مستعفی یا متوفی و یا منقصل معین میگردد

ناصر الاسلام - بنده در اینجا توضیحی میخواهم اینکه مینویسند اشخاصی که اکثریت نسبی دارند بجای عضو مستعفی یا متوفی یا منقصل معین میشوند آیا این اکثریت نسبی در اینجا بجهت ترتیب حاصل وجه نحو رأی گرفته میشود

مخبر - چون عده را که وزیر پیشنهاد میکند بازرده نفر است ممکن است که نمایندگان مجلس در باره پنج نفری که باید از میان آنها انتخاب شوند مستفی نباشند و آن پنج نفر با اکثریت ۴۵ رأی و ۴۴ رأی و ۴۳ و ۴۲ و ۴۱ رأی انتخاب شوند و پنج نفر بعد از آنها دارای ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۱ رأی باشند وقتیکه یک نفر از اعضاء کمیسیون در غیبت مجلس شورای ملی استعفا یا فوت کرد و یا منقصل شد چون مجلس نیست که بتوان تجدید انتخاب کرد لهذا برای اینکه در تعیین آن عضو ملاحظه و اعمال غرض نشده باشد محدود باین حد کردیم که دولت بجای عضو متوفی یا مستعفی یا منقصل آنکس را که دارای اکثریت نسبی و محل توجه يك عده از نمایندگان بوده است معین نماید تا وقتیکه مجلس شورایی افتتاح و تجدید انتخاب شود

نایب رئیس - گویا دیگر مخالفی نباشد رأی میگیریم اشخاصیکه ماده ۴۲ را تصویب می فرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد

(ماده ۴۳ بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۴۳ - اعضاء کمیسیون در هیچ يك از معاملات دولتی نباید دخالت نموده و یا واسطه واقع شوند

نایب رئیس - گویا مخالفی نباشد آقایانیکه این ماده را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند تصویب شد)

ماده ۴۴ - بمضمون ذیل قرائت شد ماده ۴۴ در کمیسیون اکثریت آراء مناط اعتبار است **ناصر الاسلام** - میخواستم عرض کنم که این ماده یکی از آن مواد است که بنده هیچ امید نمی دم در قانون تشکیلات ماله نوشته شود زیرا که این مسئله نیست که محل بحث باشد و اکثریت آراء نه فقط در کمیسیون مناط اعتبار است بلکه اساس

بیشرفت مجلس و حکومتها مشروط با اکثریت است

و اقلیت هیچوقت حکومت نداشته است بنابراین تصور میکنم لازم نباشد که در اینجا نوشته شود اکثریت مناط اعتبار است

مخبر - این فرمایشات را که فرمودید صحیح است ولی گمان میکنم که نوشتن آن ضروری نخواهد داشت بملاحظه اینکه چون این کمیسیون در واقع يك اداره است از وزارت ماله ممکن است که رئیس این کمیسیون نظامات داخلی و ترتیبات رسیدگی آنرا با نظامات و رسیدگی با مواراداری با هم تطبیق و مقایسه نموده بگوید چون من رئیس این اداره هستم در اداره باید حکم رئیس مجری باشد پس باین جهت حکم راجع بمن است و اکثریت مناط اعتبار نیست یا آنکه قضیه برعکس شود و رئیس آن يك کسی باشد که نظر خیلی وسیعی داشته و معتقد باستقلال کمیسیون تطبیق حوالجات باشد و آنوقت بگوید برای قسمت کار با اعضاء کمیسیون با اتفاق رأی بدهند با اکثریت پس برای اینکه همچو تصور نشده باشد در این جا نوشته شده که اکثریت مناط اعتبار است

ناصر الاسلام - راجع باینکه فرمودند ممکن است رئیس کمیسیون تطبیق حوالجات برای خودش يك امتیاز و تفوق معتقد شود عرض میکنم اگر ترتیبات امروز مثل ترتیبات مجلس سابق بود که رئیس حق دورای داشت ممکن بود که برای رئیس کمیسیون همچو اشتباهی حاصل شود ولی حالا گمان نمیکنم که برای رئیس کمیسیون همچو اشتباهی حاصل شود و تصور کند که باید از سایر اعضاء امتیازی داشته و یا دارای دو رأی باشد چنانکه می بینیم رئیس مجلس شورایی این امتیاز را ندارد تا چه رسد بر رئیس يك کمیسیونی حالا برای اینکه آسوه تفاهم و تصور نشود که این کمیسیون با اتفاق آراء باید رأی بدهد و معلوم شود که اکثریت قاطع خواهد بود عرض میکنم که اگر در عده بسیار کمی بخواهند اتفاق آراء را مناط قرار دهند دچار اشکالات زیاد خواهند شد و هیچ کاری بجز بیان نخواهد افتاد باین جهت گمان میکنم لازم نباشد که يك همچو مطلب اساسی و واضع در جزو قانون تشکیلات ماله نوشته شود و نوشتن آنرا در این جا زیاد میباید

مخبر - بنده بطور اختصار عرض میکنم يك مجلس یا يك هیئتی که برای اجرای نظامات اداری خودش قانونی وضع میکند دلیلی نداریم که بگوئیم قوانین داخلی آن شامل حال اداره دیگر هم میشود نمی توان گفت که چون ترتیبات و نظامات داخلی مجلس شورایی این طور است پس جاهای دیگر هم باید همینطور باشد و نمی شود گفت نظامات داخلی مجلس شورایی که خود مجلس تصویب میکند شامل تمام ادارات مملکتی خواهد شد بلکه ممکن است نظامات داخلی مجلس شورایی طوری باشد و نظامات داخلی يك کمیسیونی یا يك شرکت خیره طوری دیگر باشد پس برای اینکه يك همچو اشتباهی حاصل نشود ضرر ندارد در اینجا تصریح شود که در این کمیسیون اکثریت آراء مناط اعتبار است

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافیست - آقایانیکه ماده ۴۴ را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) آقای و قار السلطنه از عضویت

کمیسیون قوانین ماله و همچنین از اداره مباشرت استعفا داده اند ممکن است در پایان مجلس آقایان یک نفر را بجای ایشان برای کمیسیون قوانین ماله انتخاب کنند و یک نفر از برای اداره مباشرت در جلسه آتیه انتخاب شود

مخبر - اما قسمت راجع با اداره مباشرت مربوط به بنده نیست ولی راجع باستعفای ایشان از کمیسیون قوانین ماله بنده از طرف کمیسیون تمنا میکنم از آقای و قار السلطنه که استعفای خودشان را مسترد دارند و الا بیک قسمتی بزرگی در کارهای کمیسیون ناقص خواهد ماند و چون غرض ایشان خدمت گذاریست البته هر جائیکه کار زیاد تر میباشد برای ایشان اصلاح خواهد بود و اگر آقای و قار السلطنه بنا تمنای بنده موافقت فرمایند تمام اعضاء کمیسیون قوانین ماله به متشکر خواهند شد

و قار السلطنه - بنده بکمال افتخار رادارم از این حسن و عقیده که اظهار میفرمایند و از اینکه بتوانم در کمیسیون قوانین ماله خدمت بکنم لکن علت عهده استعفا بنده حالیه کسالت مزاج است و علت سابق هم این بوده است که اغلب روزها يك ساعت قبل از هه آقایان میآمدم و اغلب اعضاء کمیسیون دیر تشریف میآوردند و دو ساعت وقت را تلف میکردند حالا بنده استعفای خود را پس میگیرم بشرط اینکه در سر موقع تشریف بیاورند

نایب رئیس - چون آقای و قار السلطنه استعفاء خودشان را پس گرفتند دیگر محتاج بان انتخاب نیست آقای وزیر ماله فرمایشی دارند؟

وزیر ماله - در باب همین قوانین آمدهام که بعد در کمیسیون مذاکره بکنم **نایب رئیس** - اگر آقایان موافق باشند جاسه آتیه را موکول می کنیم بروز سه شنبه سه ساعت بغروب مانده و دستور آتیم شور در بقیه قانون تشکیلات ماله و انتخاب یک نفر برای اداره مباشرت خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم هیچ مانعی نباشد از اینکه فردا جلسه تشکیل شود و قانون تشکیلات ماله زودتر از مجلس بگذرد و هر چه تعویق بیفتد يك ضرر فوق العاده متوجه ماله مملکت خواهد شد در صورتیکه فردا که روز یکشنبه است هیچ کاری نداریم و زمانی هم نیست بنده تقاضا میکنم جلسه موکول بفرما شود

مخبر - بنده از طرف کمیسیون قوانین ماله استدعا میکنم که اگر بخواهند جلسه را موکول فرما کنند این قانون تشکیلات را دستور قرار ندهند زیرا پیشنهادهائی شده است و باید در کمیسیون رسیدگی شود که بعد با آن پیشنهاد ها یکمرتبه بیاید بمجلس و فردا هم بعضی کمیسیونها هستند از قبیل کمیسیون نظامات داخلی و بعضی کمیسیونهای دیگر که مشغول کار خواهند بود و بعد از گذشتن این قانون از مجلس باز باید یک هفته و دو هفته بواسطه نداشتن چیزی در دستور بیکار بمانند بهره جته خواهش میکنم اگر جلسه را از برای فردا معین میفرمایند دستور را قانون تشکیلات ماله قرار ندهند

معلل الدوله - بنده راجع بدستور يك مسئله دیگر فری از این میخواستم عرض کنم که

دستور جلسه آتیه را راجع ببودجه قرار دهند **نایب رئیس** - آقایانیکه موافق هستند جلسه از برای فردا معین شود قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند) - تصویب نشد - پس جلسه آتیه همان روز سه شنبه سه ساعت بغروب مانده و دستور هم شور در بقیه قانون تشکیلات ماله و تعیین تکلیف بودجه عدلیه و انتخاب یک نفر از برای اداره مباشرت خواهد بود

معلل الدوله - راجع باینکه در بودجه عدلیه مذاکره شود بنده مخالف هستم و عرض میکنم بودجه عدلیه لازم برای نخواهد بود و لازم به تعیین تکلیف میباشد قسمت معمولش که بوقع اجرا گذارده شده است و قسمت غیر معمول آنهم همان محتاج برای نیست زیرا موافق رئیسی که سابقاً داده شده است باید بودجه هائی که از کمیسیون گذشت موقتا بوقع اجرا گذارده شود تا وقتی که بودجه کل جمع و خرج بعمل بیاید آنوقت رأی گرفته شود

نایب رئیس - البته این مسئله مذاکره لازم ندارد و اگر هم مذاکره لازم باشد باید روز سه شنبه مذاکره شود

(مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۴۰ صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۳۲۳ شهر رجب

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن تشکیل و صورت مجلس روز شنبه هفتم قرائت گردید

غائبین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه - حاج شیخ اسمعیل - امیر مؤید

رئیس - در صورت مجلس ایرادی نیست؟

محمد شاه مشیرزاد - آقای آقا سید فاضل نطق خودشان را که توضیح دادند و آقای مخبر متقاعد شدند و استعفای خودشان را پس گرفتند در اینجا نوشته نشده است

رئیس - همینطور اصلاح میشود - دیگر در صورت مجلس ایرادی نیست (ایرادی نشد) صورت مجلس تصویب شد

دستور امروز اولاً شور دوم در بقیه قانون تشکیلات ماله از ماده ۴۵ است (ماده ۴۵ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۵ - وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات بشرح ذیل است (۱) تطبیق حوالجات مستقیم و اعتباری بنا بودجهها و اعتبارات مصوبه و تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر ماله (۲) رسیدگی بحساب ادارات صاحب جمع نقدی و جنسی که در حکم نقدی است (۳) رسیدگی بحساب وزارتخانه ها و کمیانی ها و اشخاصی که مطابق قرار داد ها باید حقی بدولت بدهند

رئیس - در ماده ۴۵ ملاحظاتی هست یا نیست ؟ **حاج شیخ حبیب الله** - کسی باید حوالجات را بدهد

رئیس - وزیر که در اینجا نیستند که جواب بدهند آقای مخبر جواب خواهند داد

مخبر - تکلیف حوالجات در مواد قبل معین شده است مراجع فرمائید

حاج شیخ حبیب الله - در جایی تعیین نشده است که حواله دادن از وظایف کیست

مخبر - بنده تصور میکنم خیلی ساده است حواله را ممکن است دو قسمت کرده یکی نوشتن کلمات اول کاغذ یکی امضاء کردن بالاخره اگر يك اداره مخصوصی نداشته باشد ممکن است اداره معاسبات ماله حواله بدهد اما آن قسمت مهم کادول کاغذ می آورند و بامضاء میرسد معین کردیم که با وزیر است پس در اینصورت معلوم است که حواله قبل از رسیدن بامضای وزیر ماله میرود بکمیسیون تطبیق حوالجات برای تعیین اینکه آیا با بودجهها و اعتبارات مصوبه مطابق است یا خیر اگر موافق بود در حواله تصریح میشود و بامضای وزیر میرسد و الا رد میشود

رئیس - غیر از این دیگر ایرادی نیست ؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم در ماده ۴۵ آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۴۶ قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۶ - کمیسیون میتواند هر نوع اطلاعات راجع بامیادات و معارج دولتی را که لازم بدانند از ادارات و دوائر ماله مستقیماً و از ادارات دیگر بتوسط وزارت ماله بخواهد و تمام آنها مکلف در دادن این اطلاعات هستند

مخبر - بواسطه حذف يك ماده تمام مواد تغییر خواهد کرد

رئیس - بله بعد مرتب خواهد شد - در ماده ۴۶ ملاحظاتی هست ؟ رأی میگیریم آقایانیکه ماده ۴۶ را تصویب میفرمایند قیام کنند

(عده کثیری قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد - ماده ۴۷ قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۷ - اگر کمیسیون در ضمن اجراء وظایف خود نقضی در اجرای قوانین و نظامنامه های راجع بماله مشاهده کند راپورت آنرا بوزیر ماله می دهد در صورتیکه از طرف وزیر ماله اقدامی در جلوگیری نشد کمیسیون مزبور میتواند در اینباب مستقیماً بمجلس شورای ملی و در غیاب مجلس بهیئت وزراء راپورت دهد

رئیس - در این ماده ملاحظاتی هست ؟ **حاج شیخ حبیب الله** - در اینجا مینویسد

که اگر از طرف وزیر ماله اقدامی در جلوگیری نشود کمیسیون مزبور میتواند در این باب مستقیماً چون در اینجا برای کمیسیون تکلیف میشود باید بنویسند که (باید در این باب) اینکه مینویسد (میتواند) اگر نکرد تقصیر کار نخواهد بود و اما اگر (باید) نوشته شود تکلیف برای او معین میشود و مکلف خواهد بود

مخبر - در دفعه اول کمیسیون را مجبور کردند که وقتی که در اجرای قوانین تخلفی مشاهده کرد باید بر رئیس مستقیم خودش که وزیر ماله است راپورت بدهد و بهمین درجه هم کافی بود بجهت اینکه کمیسیون بوظیفه خودش عمل کرده است و تاکید نوشته ایم که اگر در موقعی وزیر مسامحه کرد کمیسیون میتواند راپورت آنرا بهیئت دولت و مجلس بدهد اینطور بهتر است و این قبیل مواقع را خوبست بنظر خود کمیسیون واگذار کنیم

ناصر الاسلام - بنده با این اعتراض آقای حاج شیخ حبیب الله موافق زیرا در وظایف این کمیسیون معین میشود در صورتیکه يك خلاف ترتیبی مشاهده کند میتواند بوزیر ماله راپورت دهد (می تواند) او را ملزم باصلاح دادن بمجلس بکنند اگر در نظر داریم که این کمیسیون باید از خلاف کاری جلوگیری کند اینک (میتواند) او را بجلو گیری وادار نمیکند زیرا ممکن است در آن موقع که کمیسیون نخواهد یا از وظایف خودش نماند که بوزیر یا به مجلس اطلاع بدهد اگر در این قانون آن کمیسیون را ملزم کنیم و اینرا یکی از وظایف او قرار بدهیم که اگر تخلف کند در مقابل مجلس شورای ملی مسئول است بهتر است و بعقیده بنده خوبست (باید) نوشته شود

مخبر - اگر در اینجا يك قدری دقیق شویم این ماده راجع باینجا نیست زیرا وظایف این کمیسیون راجع بحوالجات است و این برای این است که اگر در ضمن يك خلاف قانون مشاهده کنند این خلاف قانون بکلی مستور نماند باشد اگر در قسمت اول این ماده درست ملاحظه فرمایند می بینند که (میتواند) ندارد میگوید اگر خلاف قانونی در اجرای قوانین و نظامنامهها مشاهده کرد باید بوزیر ماله راپورت بدهد با وجودیکه این يك مسئله فرعی است معینا مکلف است که عمل کند و بوزیر ماله اخطار کند حالا ممکن است يك فرض باشد که وزیر ماله بجهتانی جلوگیری از نقض قانونیکه در اینصورت اگر این حق قطعاً باین کمیسیون بدهیم که حتماً باید بهیئت وزراء و یا بمجلس شورایی راپورت بدهد يك استقلال باو داده ایم که زبادت است از آنچه در نظر داریم و نخواستیم این استقلال را باو بدهیم لهذا همین این مواقع را بخود کمیسیون واگذار کردیم اگر کمیسیون دید که مسئله خیلی بزرگ است و وزیر هست که بهیئت وزراء یا بمجلس شورایی راپورت بدهد آنوقت ممکن است اطلاع دهد و اگر دید در واقع عدم تعقیب وزیر ماله بیک نظر جهت صحیحی بوده است اطلاع لازم نیست پس درش اول که اطلاع دادن است بوزیر ماله مجبور است اطلاع دهد (میتواند) نیست (میتواند) درش ثانی است و گمان میکنم که اشکالی هم در اینجا باشد

ناصر الاسلام - توضیحات آقای مخبر بنده راقانع نکرد زیرا در يك قسمت توضیحاتشان اظهار فرمودند که این وظیفه کمیسیون نیست و زائد است اگر وظیفه کمیسیون نیست این ماده در اینجا نوشته شود همینطور که فرمودند کمیسیون در موقعی که خلاف قانون مشاهده کرد باید بوزیر ماله اطلاع

میشود و مکلف خواهد بود